

به رنگ ارغوان



چند شهر در یک محله ۲

تنور آرزوی «بی بی» نان امید می پزد ۶

تور فرهنگی در ارغوانیه ۸

ارغوانیه؛ چشم به راه فرهنگ سرا ۱۰

قول های بر زمین مانده ارغوانیه ۱۲

به همراه گفت و گوهایی با نخبگان، فعالان و ایثارگران محله:

مریم رحمانی همسر شهید روح الله تقیان، از شهدای جنگ ۱۲ روزه

حجت الاسلام رمضان، امام جماعت مسجد النور

محمد حسام رشادی، قاری و مدرس قرآن

بشیرعلی حسینی، هنرمند مجسمه ساز

هادی زمانی، استاد دانشگاه و نویسنده

گفت و گو با هوشنگ نظری پور

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان

درباره مسائل و مطالبات شهری

شهروندان محله ارغوانیه ۱۴





سارا حقیقی

چند شهر در یک محله

روایت ساکنان ارغوانیه از کوچه‌هایی قدیمی که به شهرک‌های جدید وصل شدند



از هیاهوی مرکز شهر اصفهان که دور شوید و در مسیر طلوع آفتاب، به سمت شرق بروید، در دامنه دشت خوراسگان و منطقه ۱۵ به محله‌ای می‌رسید که فضای متضادش پوست اندازی یک بافت قدیمی و سنتی به یک بافت مدرن و امروزی را نشان می‌دهد. محله ارغوانیه که نامش با گل‌های زیبای ارغوان گره خورده، روزگاری نه چندان دور سرسبزی و آبادی‌اش را از زمین‌های کشاورزی و کرت‌های کاشت صیفی می‌گرفته و میزبان درختان زیتون و سنجدی بوده که در کنار نهرهای آب رشد می‌کردند و حالاً اثری از آن‌ها نمانده. در اطراف ارغوانیه قناتی وجود داشته که آبش از سمت کوه‌های گورت به طرف بیمارستان فارابی می‌آمده و مزارع محله را آبیاری می‌کرده.

ترازوی ۱۹۲ ساله!



اکبر محمدی کاسب محله ارغوانیه است که حدود ۵۰ سالی می‌شود که در ارغوانیه به کسب و کار مشغول است. اصالتاً اهل سمسور است و کشاورز زاده؛ اما با خشکی زمین و کمبود آب، زمین‌های کشاورزی‌شان در ارغوانیه دیگر جوابگوی معیشت‌شان نمی‌شود؛ پس به اجبار در این محله مغازه کوچکی در جوار مسجد اجاره می‌کند تا روزی خانواده را تأمین کند. مغازه‌اش حال و هوای آن زمان‌ها را دارد. ترازوی ۱۹۲ ساله مغازه که بارها رنگ شده، اثری است که از پدر بزرگ خرمافروشی به او رسیده؛ پدر بزرگی که از نائین به اصفهان می‌آید و تنها دارایی‌اش را به نوه‌اش می‌بخشد. سنگ ترازوهای ۴۰ ساله‌ای که به ترتیب کنار ترازو چیده شده‌اند و سادگی‌ای که در وجود مغازه دار موج می‌زند.

او از گذشته‌ها چنین یاد می‌کند: از قدیم به اینجا ارغوانیه می‌گفتند که آن زمان به این شکل نبود. حدود ۵۰ سال پیش فقط چند تا خانه مخروبه و گلی وجود داشت که وحشت می‌کردی پا به اینجا بگذاری. کل جمعیت ساکن در این محدوده شاید به ۶ یا ۷ خانوار می‌رسید که در این خانه‌ها زندگی می‌کردند.

مشاغل قدیم مردم ارغوانیه

به گفته محمدی، شغل مردم بیشتر مقنی و کندن چاه بوده و کارگری برای ارباب: «قدیم‌ترها در ده پایین و اینجا ارباب‌رعیتی بود؛ به‌ویژه در قلعه پایین سمسور. مردم رعیت و کارگر ارباب‌ها بودند و روی زمین‌های آن‌ها کار می‌کردند.» آن روزهای پرآبی مردم با آب چاه‌ها و قنات، صیفی‌کاری و کشاورزی پررونقی داشتند؛ هندوانه، خربزه، جو، گندم، بادمجان، خیار، کدو، فلفل (مرچ) و چغندر می‌کاشتند و در کنارش مردم چند رأس گوسفند هم در خانه‌ها یا صحرا نگه می‌داشتند و روزگار را می‌گذراندند.

این کاسب محله ارغوانیه آغاز رشد شهرنشینی در این محله را از ۲۵ سال پیش ذکر می‌کند و می‌افزاید: ساخت‌وسازهای فعلی ارغوانیه تقریباً از ۲۵ سال پیش شروع شد و به‌مرور مردم آمدند و خانه ساختند و محله بزرگ شد. زمین‌های بایر محله حالا تبدیل به خانه و آپارتمان شده‌اند.

محمدی برکت زندگی‌های گذشته را دیده و این برکت زندگی امروز را در مقایسه با گذشته کمتر می‌داند: با شرایط این روزها که معیشت مردم سخت شده، زندگی بعضی از مردم ارغوانیه هم مشکل شده. عده‌ای زندگی سختی دارند و برخی هم دستشان به دهان‌شان می‌رسد. مشتری‌های من اکثری بی‌ضاعت‌ها هستند. از وقتی بی‌آبی در زمین‌های کشاورزی جولان داده و محصولات را به خاک و خون کشیده، کشاورزان هم دچار مشکلات زیادی

توسعه امکانات محله با همت مردم



آقای مسعود هم سال‌هاست از خور و بیابانک به اصفهان آمده و حدود ۴۰ سال است که در ارغوانیه زندگی می‌کند. پدرش در خور و بیابانک کشاورز بوده و چون چرخ زندگی نمی‌چرخیده به اصفهان مهاجرت می‌کنند. او معلم بازنشسته است و تدریس برای کودکان دبستانی برایش لذت‌بخش بوده. درباره روزگاری که در ارغوانیه تنها چند خانوار سکونت داشته‌اند می‌گوید: اینجا نه آب بود و نه برق. پیش از آمدن آب لوله‌کشی مردم از آب چاه‌ها استفاده می‌کردند. اگر کسی برق می‌خواست باید خودش پول تیر برق و سیم را می‌داد تا برایش برق کشی کنند؛ همچنین لوله‌کشی آب و تلفن با همت خود مردم به محله آمد؛ حتی برای آسفالت خیابان هم خودمان هزینه دادیم و بعداً شهرداری روی آن روکش کشید.

رفت و آمد در ارغوانیه پیش از اینکه در آن خیابان‌کشی شود و به خوراسگان اتصال پیدا کند با خودروهای شخصی انجام می‌شده و اگر کسی خودرو شخصی نداشت باید سر جاده می‌ماند تا خودروهای گذری سوارش کنند. بعداً که خیابان‌کشی می‌شود، یک تاکسی تلفنی در محله افتتاح و پس از آن هم خطوط اتوبوس برقرار می‌شود.

مسعود به دلیل شغلش که با آموزش در ارتباط بوده، شرایط تحصیل در گذشته و حال را مقایسه و بیان می‌کند: قدیم اینجا مدرسه نبود. بچه‌ها برای تحصیل به خوراسگان می‌رفتند. دانش‌آموزان آن زمان بیشتر از قشر ضعیف بودند. بعدها که جمعیت زیادتر شد، چند مدرسه در محله ساختند. حدود سه سال است که ارغوانیه توسعه پیدا کرده و برج‌سازی شده، شرایط بهتر شده است. به اعتقاد او بافت فرهنگی محله، به دلیل تفاوت فرهنگی ساکنان آن ناهمگون است؛ قسمت‌هایی که بومی‌تر هستند از نظر فرهنگی با مهاجرانی که تازه ساکن شده‌اند تفاوت دارند؛ اما در کل مشکلی از این بابت پیش نیامده و مردم در کنار هم به خوبی زندگی می‌کنند.

شده‌اند که نبود بازنشستگی و بیمه از مهم‌ترین آن‌هاست. او به روزگار تلخ کشاورزان اشاره می‌کند و امید دارد که مسئولان به فریاد این قشر مظلوم برسند.

داستان جالب مسجد المهدی (عج)

دکان محمدی در جوار مسجد المهدی (عج) قرار دارد. او زمان ساخت مسجد و گسترش آن را چهل سال پیش عنوان می‌کند و می‌گوید: این مسجد در گذشته مرقداری بود. سازنده آن که حاج رضا میزبانی بوده چون مرقداری‌اش نمی‌چرخد، آن را تبدیل به مسجد می‌کند. مسجد در ابتدا آجری بود؛ اما استادان آن زمان، وقتی از اینجا عبور می‌کرده با دیدن مسجد به حاج رضا می‌گویند دیوارها را سنگ و سرامیک کن و ستون بزن تا برق اینجا را تأمین کنیم. او هم این کار را انجام می‌دهد و استادان هم برق آن را تأمین می‌کند و خیابان المهدی را هم آسفالت می‌کنند.

به این ترتیب برق برخی از نقاط محله هم تأمین می‌شود. نکته جالب مسجد المهدی (عج)، اتفاقی است که محل دفن حاج رضا میزبانی، سازنده آن است. زنان محله هر یکشنبه در این اتاقک جمع می‌شوند و به قرائت قرآن می‌پردازند.



از دیگر مساجد محله ارغوانیه، مسجد حضرت علی اکبر (ع) است که حدود ۴۰ سال قدمت دارد؛ اما ظاهر و ساختارش امروزی‌تر است. بانی اصلی ساخت آن مرحوم حاج آقا مظفریان، از روحانیون سرشناس حوزه علمیه بوده. او برای خرید زمین اولیه، از روحانیون حوزه علمیه قرض می‌گرفته کم‌کم مسجد را می‌سازد. بعدها در دوران‌های مختلف (از جمله طرح‌های توسعه در دوره‌های گذشته) با کمک‌های خیران و حمایت‌های دولتی تکمیل و نوسازی می‌شود.



از روی خوشی کسی به ارغوانیه نمی آید!



پیرمردی پایه پای دوچرخه اش از خیابان قریشی در حال گذر است. وقتی از او می پرسم چندسال است ساکن این محله شده، با صدایی آرام می گوید: ما از اطراف بیمارستان چمران به ارغوانیه آمده ایم و حدود هفت سال است اینجا زندگی می کنیم. برای اینکه بتواند سرپناهی برای پسرهایش که در آستانه ازدواج بودند فراهم کند، خانه کوچکیشان را می فروشند و به ارغوانیه می آیند؛ از محله راضی هستیم، امکاناتش بد نیست؛ فقط فاضلاب ندارد که گفته اند به زودی فاضلاب کشی می شود. می گویم از مشکلات محله بگویید، می گوید: هر کسی به این محله آمده از اول شرایط اینجا را دیده و ساکن شده. به نظر از روی خوشی کسی اینجا نمی آید. قطعا دلیل مهمی داشته اند که این محله را انتخاب کرده اند. مدرسه مناسبی ندارد و رفت و آمد هم سخت است؛ چون به مرکز شهر دور است.

کمبودهای محله



باغ ارغوان با معماری خاصش در دل ارغوانیه خودنمایی می کند و جلوه ای زیبا به محله بخشیده؛ اما به گفته اهالی دری از سمت ارغوانیه برایش تعبیه نشده و کلا آن را جزو این محله محسوب نمی کنند. حیدری که در یکی از مجتمع های میلادنور گیم نت دارد به نیازهای محله اشاره می کند: برای خرید مایحتاج روزانه نیاز به فروشگاه هایی مثل بازارهای روز یا کوثر داریم که توجهی به آن نشده. خدمات رفاهی ارغوانیه کم است و جایی نیست که بچه ها اوقات فراغتشان را آنجا بگذرانند. پارک و فضای سبزی هم در نزدیکی ما نیست. بنا بود پارکی برای بانوان و کودکان احداث شود که متأسفانه هنوز خبری نشده. نبود باشگاه و فضای ورزشی هم از دیگر مواردی بود که این ساکن محله ارغوانیه به آن اشاره می کند. آقای عبداللّهی که دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است و در ارغوانیه مدت ها به کارهای فرهنگی اشتغال داشته، ۴۰ سال پیش به این محله آمده و تغییرات زیادی را از ابتدا تا

قالی بافی؛ کمک خرجی برای خانواده ها

خانم منظوری جلو سوپرمارکت کوچکی نشسته و با یکی از اهالی محله گفت وگو می کند. زنی که سردوگرم روزگار را چشیده و حالا پس از سال ها زندگی در ارغوانیه، توانسته اند این مغازه کوچک را برای خرج و مخارج زندگی در کنار منزلشان باز کنند: ۳۴ سال است که ساکن اینجا هستیم. زمانی که آمدیم هیچ امکاناتی نداشتیم. برای تهیه آب، دو کوچه بالاتر، یکی از همسایه ها با شیلنگ به ما آب می داد. می گوید ساکنان قدیمی که اکثرا مشاغل سازمانی داشتند خانه هایشان را با مجوز ساخته بودند؛ اما خانه های آن ها بدون مجوز ساخته شده. حالا باید طبق نقشه های جدید خانه عقب نشینی کند تا ناترازی خیابان اصلاح شود. شغل مردم قدیم ارغوانیه یا کشاورزی بوده یا کارگری. زنان محله هم همپای مردان قالی می بافتند تا کمک خرج خانواده باشند؛ من خیلی قالی می بافتم؛ چون چاره ای نداشتیم و باید در مخارج زندگی کمک می کردیم. ۵۰ تخته قالی کوچک و بزرگ بافتم که هیچ کدامشان را ندارم.

رفت و آمد همسایه ها در محله نسبت به گذشته کمتر شده و به گفته خانم منظوری، چون مردم با هم غریبه هستند و مهاجرند، اگر همدیگر را در کوچه و خیابان ببینند، سلام و علیک دارند؛ وگرنه خانه هم نمی روند.

نبود فاضلاب؛ مشکل زیربنایی محله ارغوانیه



بوی فاضلاب در محله پیچیده و آزاردهنده است. نبود فاضلاب مشکلی است که تمام اهل محل از آن صحبت می کنند و امیدوارند به زودی با وعده هایی که داده شده ارغوانیه صاحب فاضلاب شود. دلیل آسفالت نشدن کوچه ها را همین موضوع می دانند که این مسئله هم زیبایی و نظافت محله را تحت تاثیر قرار داده است.

جای جای ارغوانیه زمین بایر است؛ اما در کنار برخی از شهرک ها مثل الهیه، چند بوستان وجود دارد که کمی به فضای بی روح محله جان داده. البته وجود درختان کاج و نوار جنگلی این محله نیز چشم نواز است. ارغوانیه را می توان با تضادهایش دوست داشت: بافت قدیمی و سنتی اش را که بیشتر ساکنانش از شرق اصفهان به این محله آمده اند و بافت تازه و مدرن ترش که قشر جوان و عموما شاغل، در مجتمع های عظیم زندگی می کنند.

محله کارمندانشین



آقای اولیا در یکی از این مجتمع ها سوپرمارکت دارد. طی چهارسالی که با نیازهای مردم محله آشنا شده، کم و بیش از شرایط زندگی آن ها باخبر است: «مجتمع های شهرک الهیه ده دوازده سالی است که ساخته شده و بیشتر ساختمان ها تازه ساز است.» بیشتر مشتری های او از طبقه کارمندان هستند و برخی هم بازنشستگان ساکن محله؛ واحدهای این بخش از محله را متعلق به کارمندان سازمان های مختلف است و خشت اول را سازمان ها بنا نهاده اند؛ حالا عده ای یا فروخته اند و یا خودشان ساکن هستند.

کنون دیده است: «زمانی که ما ساکن ارغوانیه شدیم تقریبا ساخت و سازی به آن صورت وجود نداشت. جمعیت بسیار کم بود و بیشتر ساکنان بومی بودند؛ اما حالا از آن شکل بومی خارج شده و مهاجران مختلفی به این محله آمده اند؛ چه هم وطنانمان از شهرهای مختلف و چه افغانستانی ها. این فعال فرهنگی که در زمینه آموزش قرآن و مداحی و موسیقی فعالیت داشته، درباره کمبود فضای آموزشی محله می گوید: ارغوانیه همیشه با کمبود فضای آموزشی روبه رو بوده است. آن زمان یک مدرسه ابتدایی و راهنمایی دخترانه بود؛ اما دبیرستان پسرانه را حتی الان هم نداریم! فقط تا دوره راهنمایی پسرانه موجود است و برای دبیرستان باید به جای دیگری بروند. مهم ترین مشکل هم همین پراکندگی و کمبود امکانات آموزشی نسبت به این جمعیت زیاد است.

عبداللّهی مدتی است به دلیل اختلافات بین متولیان مسجد، گوشه نشینی را انتخاب کرده: اوایل که آمد، فعالیت های قرآنی و مذهبی خیلی کم رنگ بود. من به همراه دوستان دیگر، سعی کردیم هیئت عزاداری و جلسات قرآن راه بیندازیم. مداحی می کردم و آموزش می دادم؛ اما مشکل از جایی شروع شد که هیئت امنای مسجد به جای همکاری، سد راه یکدیگر شدند. هر کسی می خواست کار فرهنگی کند، اجازه نمی دادند. مسائل مالی نیز از دیگر مواردی است که این فعال فرهنگی به آن اشاره می کند و با باین اینکه جوانان و نوجوانان ارغوانیه نیاز به کلاس های آموزش دارند تا مسیر درست را پیدا کنند، تصریح می کند: به نظر من، متولیان باید مقداری هزینه کنند و بچه ها را جمع کنند؛ بدون اینکه بخواهند به آن ها خط و خطوط مشخصی را بدهند. بچه ها می فهمند که می خواهند آن ها را به کدام سمت ببرند. زمانی من با هزینه خودم بچه ها را اردو می بردم؛ اما الان دیگر در توانم نیست و متأسفانه توجهی هم به این موضوع ندارند.

نبود فضاهای فرهنگی، کتابخانه و فرهنگسرا از کمبودهایی است که او عنوان می کند و می گوید با وجود زمین های زیادی که در محله هست، می توان امکانات بیشتری را برای اهالی فراهم کرد. عبداللّهی که دوران بازنشستگی را طی می کند وجود فضای سبز برای ارغوانیه را ضروری می داند: به غیر از کمبود فرهنگ سرا و کانون، برای بازنشسته ها هم جایی لازم است که بنشینند و دور هم جمع شوند. چرا اینجا فضای سبز و پارک نمی سازند؟ یک پارک بسازند و داخلش فرهنگ سرا ایجاد کنند و وسایل بازی بگذارند تا بچه ها جذب شوند.

محله روبه رشد

با تمام کمبودها و مشکلات، ارغوانیه دیگر محله ای دور افتاده و مهجور نیست. عبور حلقه چهارم حفاظتی از کنار این محله و وجود مجموعه گردشگری و بازار بین المللی گل و گیاه ارغوان، نزدیکی به دانشگاه آزاد خوراسگان و وجود امکانات بهداشتی و درمانی در بیمارستان فارابی، روند رشد و توسعه آن را سرعت بخشیده است؛ چنانکه طی مدتی کوتاه این محله از بافتی سنتی و قدیمی به بافتی امروزی و روبه رشد تبدیل شده که جمعیت زیادی را به سمت خود جذب کرده است.



مریم نقیان

سنگری کوچک با آرزوهای بزرگ

گزارشی از پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) محله ارغوانیه

رمضان به دلیل اینکه کمک‌های مردمی بیشتر است کمک بیشتری به نیازمندان محله صورت می‌گیرد.

کمبود فضا؛ مشکل همیشگی پایگاه

او در پایان به مشکلات موجود که مانع فعالیت بهتر در محله شده اشاره می‌کند: «ما در محله ارغوانیه با کمبود امکانات مواجه هستیم، البته باید بگویم که وضعیت کنونی امکانات از قبل بهتر است. مشکل اصلی ما نبودن فضای مناسب برای پایگاه است و زمانی که می‌خواهیم یک جلسه جامع را که همه افراد در آن حضور داشته باشند برگزار کنیم، نمی‌توانیم در پایگاه حضور داشته باشیم و مجبور می‌شویم در محوطه مسجدالنور جلسه خود را برگزار کنیم. این موضوع باعث شده که در برخی مواقع نتوانیم برنامه‌هایمان را به خوبی اجرا کنیم. چند وقت است قول داده‌اند که به پایگاه ما اینترنت بدهند؛ اما هنوز اینترنت رایگان نداریم. فرمانده پایگاه خودش هزینه اینترنت را تأمین می‌کند تا ما بتوانیم فعالیت‌های موردنظرمان را انجام دهیم و از برنامه‌ها عقب نمانیم. این موضوع باعث شده که بخشی از هزینه‌ها به دوش فرمانده بیفتد.»

وعده‌های عمل نشده؛ از شهرداری تا استاندار و شورای شهر

جانشین فرمانده پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) در ادامه می‌گوید: «همکاری شهرداری خوب بوده است؛ اما برخی از مواقع قول‌هایی می‌دهند که به آن عمل نمی‌کنند؛ به‌عنوان مثال در زمینه برگزاری جشن‌ها قول می‌دهند که به ما بودجه دهند؛ اما بودجه کمی در اختیار ما می‌گذارند و امکاناتی را که نیاز داریم به‌صورت کامل ارائه نمی‌دهند. استاندار و شورای شهر نیز به ما قول دادند که در این محدوده یک باغ بانوان تأسیس کنند و پارسال نیز بیان کردند که تا سال آینده حتماً تأسیس می‌شود؛ اما اتفاقی رخ نداد. ما در زمینه پارک و پیاده‌روی بانوان مشکل داریم؛ چرا که هیچ جای امنی وجود ندارد که بانوان بتوانند هر روز در آن پیاده‌روی کنند. این موضوع یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های بانوان محله است.»

اعتدالی، در پایان می‌گوید: «از مسئولان انتظار داریم که به وعده‌های خود عمل کنند. ما در محله ارغوانیه با کمبود امکانات مواجه هستیم و بانوان این محله حق دارند که از امکانات مناسب برخوردار باشند. تأسیس باغ بانوان، اختصاص فضای مناسب برای پایگاه، تأمین اینترنت رایگان و حمایت مالی از برنامه‌های فرهنگی و ورزشی، حداقل انتظارات ماست. بالین حال، ما به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهیم و از هیچ تلاشی برای خدمت به مردم محله دریغ نمی‌کنیم.»



جنگ رمضان؛ از کمک‌های اولیه تا کار با اسلحه

جانشین فرمانده پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) در ادامه به اقداماتی که در جنگ داشتند می‌پردازد: «با آغاز جنگ رمضان، مادر مسجد حضرت علی اکبر (ع) کلاس کمک‌های اولیه را برای مردم برگزار کردیم. این دوره چند بار برگزار شد؛ حتی در موبک تجمعات شبانه نیز این دوره آموزشی را داشتیم. آموزش کار با اسلحه را چند دوره در مسجد المهدی (عج)، مسجد النور و موبک برگزار کردیم. چند جلسه هم برای آموزش نکات مهمی که مردم برای حفظ جان و امنیت خود در زمان جنگ باید رعایت کنند برگزار شد. پس از شهادت رهبر جمهوری اسلامی ایران، ما موبک تجمعات مردمی را تأسیس کردیم که به کمک اعضای بسیج و هیئت‌امانی مساجد امام حسین (ع)، النور، حضرت علی اکبر (ع) و مسجد المهدی (عج) تأسیس شد.»

دست یاری به نیازمندان

اعتدالی بیان می‌کند: «صندوقی برای کمک به افرادی که در جنگ دچار آسیب شدند داشتیم و کمک‌ها در قالب کالا و پول، به افراد نیازمند تعلق گرفت. این کمک‌ها بیشتر در مسجد حضرت علی اکبر (ع) و مسجدالنور انجام شد. خیریه‌ای در محله داریم که در زمان جنگ به افراد بی‌بضاعت کمک مالی انجام داد. این خیریه توسط فرمانده پایگاه بسیج خواهران تأسیس شد. ماهانه حداقل به ۲۰ خانواده در محله اجناسی که به‌وسیله کمک‌های مردمی تهیه شد تقسیم می‌شود. در ماه مبارک



گروه سرود بنات المهدی (عج)؛ افتخار پایگاه

جانشین فرمانده پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) درباره گروه سرود بنات المهدی (عج) می‌گوید: «گروه سرود بنات المهدی (عج) واقعاً فعال است و برای همه مناسبت‌ها برنامه دارند. این گروه یکی از افتخارات پایگاه ماست و توانسته در محله و حتی فراتر از محله شناخته شود.»

اردوهای تفریحی و زیارتی؛ روشی برای جذب اقشار مختلف

اعتدالی درباره اردوهای تفریحی و زیارتی توضیح می‌دهد: «اردوهای تفریحی ما شامل چادگان، باغ جوان، نجف‌آباد و... بوده است. اردوهای زیارتی هم شامل قم و جمران، مشهد و... می‌شود. یکی از روش‌های جذب ما همین اردوها بود که اقشار مختلف در آن شرکت می‌کردند. خیلی از افرادی که الان عضو فعال پایگاه هستند، از طریق همین اردوها جذب شده‌اند.»

مشاوره تحصیلی و کلاس‌های تقویتی برای کمک به دانش‌آموزان محله

او درباره کلاس‌های مشاوره می‌گوید: «برای دانش‌آموزانی که مشکلات تحصیلی داشتند، مشاوره تحصیلی داشتیم و کلاس‌های تقویتی هم به کمک معلمان مدارس محله و برخی از معلمان بازنشسته برگزار کردیم. خوشبختانه این طرح بسیار موفق بود و توانستیم به دانش‌آموزانی که در دروس مختلف ضعف داشتند، کمک کنیم.»

پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) در محله ارغوانیه، از مردادماه سال ۱۳۷۹ تا کنون با یک فرمانده ثابت و جمعی از بانوان فعال، در سه مسجد المهدی (عج)، مسجد حضرت علی اکبر (ع) و مسجد النور برنامه‌های فرهنگی، دینی، ورزشی و هنری گسترده‌ای را برگزار می‌کند؛ از کلاس‌های حفظ قرآن و تجوید تا کارگاه‌های کمک‌های اولیه در جنگ رمضان، از گروه سرود بنات المهدی (عج) تا خیریه کمک به نیازمندان و از کمبود فضا تا وعده‌های عمل‌نشده مسئولان. در این گزارش، صدیقه اعتدالی، جانشین فرمانده و از سرگروه‌های برنامه‌ریزی این پایگاه، از فعالیت‌ها، دستاوردها و دغدغه‌های خود می‌گوید.

محله‌ای که پایگاهش ثبات مدیریتی دارد

پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) از مردادماه سال ۱۳۷۹ تأسیس شد. از همان ابتدا تاکنون، فرمانده پایگاه بسیج بانوان یک نفر بوده و این ثبات مدیریتی باعث شده که برنامه‌ها و فعالیت‌های این پایگاه از انسجام خوبی برخوردار باشد.

جانشین فرمانده پایگاه، می‌گوید: «مکان پایگاه هم در مسجد حضرت علی اکبر (ع) است و بحمدالله سه مسجد محله با هم فعالیت‌های پایگاه را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.»

از قرآن و نهج‌البلاغه تا روایتگری شهدا

اعتدالی در رابطه با کلاس‌های مذهبی بیان می‌کند: «در حوزه دینی، کلاس‌های حفظ قرآن، تجوید، نهج‌البلاغه و سایر دروس دینی به‌صورت مستمر برگزار می‌شود. در حوزه ادبیات، کلاس روایتگری از شهدا داریم که با استقبال خوبی مواجه شده است. کلاس‌های مشاوره نیز به‌صورت مرتب برگزار می‌شود و هر چند وقت یک‌بار نیز از خانواده‌های شهدا دیدار می‌کنیم.»

کارگاه‌های خانواده؛ از حفظ حریم تا فرزندآوری

او در این باره می‌گوید: «ما سعی کرده‌ایم در حوزه خانواده، برنامه‌های متنوعی داشته باشیم. کلاس‌های حفظ حریم خانواده، ازدواج، فرزندآوری و... در مسجد برگزار می‌شود. تابستان‌ها هم این کلاس‌ها در سه مسجد محله برگزار می‌شود. هدف ما این است که بتوانیم به بانوان محله در زمینه مسائل خانوادگی کمک کنیم. کارگاه‌های تخصصی ازدواج و فرزندآوری هم داریم که خوشبختانه مورد استقبال قرار گرفته است. در حوزه ورزشی، کلاس‌ها در باشگاه شهید ربانی و داخل مسجد برگزار می‌شود. در باشگاه شهید ربانی ورزش صبحگاهی و والیبال داریم و در مسجد کلاس‌های مختلف ورزشی برای بانوان برگزار می‌شود. کلاس‌های هنری نیز شامل نقاشی، خطاطی و... است. هر هفته پنجشنبه‌ها پانوق دختران را داریم که هر بار یک برنامه متفاوتی دارند و این برنامه‌ها برای دختران جوان بسیار جذاب بوده است.»

جایی برای روح الله!

گفت وگو با مریم رحمانی همسر شهید روح الله تقیان، از شهدای جنگ ۱۲ روزه

از آن جوان‌هایی نبود که در روستا با هیاهو و رفت‌وآمدهای پرسر و صدا شناخته شوند؛ آن قدر بی‌سروصدا زندگی می‌کرد که حتی پدر و مادرش می‌گفتند: «ما اصلاً نفهمیدیم روح الله کی بزرگ شد.» سال‌ها بعد، همین جوان آرام و گمنام روستا، به مردی تبدیل شد که خانواده و اطرافیانش او را محرم راز و تکیه‌گاه خود می‌دانستند؛ مردی که سرانجام در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسید.

مریم رحمانی، همسر شهید روح الله تقیان، از مردی می‌گوید که حتی جای خالی خودش را میان مزار شهدای روستا دیده بود.

خواستگاری با بهانه نقشه قالی

او که چندسالی است یکی از اهالی محله ارغوانیه شده؛ روایت زندگی مشترکشان را از همان روزهای ساده و سنتی روستای قورتان آغاز می‌کند. روح الله متولد سال ۱۳۵۹ بود. ما غریبه بودیم و هر دو اهل روستای قورتان از توابع شهر ورزنه. ازدواج ما کاملاً سنتی بود. من برای رفت‌وآمد به دانشگاه برای رسیدن به سرویس، تا لب خط می‌رفتم. در همین رفت‌وآمدها من را دیده بودند و مادرش برای خواستگاری آمد. سال ۸۶ بود. ما در روستا قالی می‌بافتیم. یک بعدازظهر، مادرش به بهانه نقشه قالی به خانه ما آمد. بعد موضوع را با مادرم مطرح کرد و شب هم پدرش برای صحبت آمد. صحبت‌های ما فقط یک جلسه بود؛ آن هم در حضور بقیه. تنها چیزی که من گفتم این بود که می‌خواهم سرکار بروم و روح الله هم قول داد که همیشه پشتیبان و همراه من باشد. مادرم گفت این خانواده ریشه دار و خوب هستند، من هم جواب مثبت دادم.

جوان آرامی که کسی بزرگ شدنش را نفهمید

تا آن زمان اصلاً روح الله را ندیده بودم. دخترهای روستا معمولاً همه جا نمی‌رفتند. روح الله هم آدمی نبود که خیلی در روستا بگردد و ویراژ بدهد. بچه‌ای خیلی آرام و سربه‌زیر بود. موقع تحقیق همه می‌گفتند مگر پسر فلانی وقت ازدواجش است؟ خیلی آرام و بی‌حاشیه بود. روح الله آن زمان در کارخانه کار می‌کرد و دیپلم برق داشت. اسمش را هم برای رفتن در سپاه نوشته بود. یازده روز مانده بود به محرم. قرار بود عقد کنیم، اما ما آمادگی نداشتیم و عقدمان افتاد بعد از محرم. دهم فروردین عقد کردیم. برای عقد اصلاً خرید نکردیم. مادرم یک چادر سفید برایم دوخت و من لباس روشنی پوشیدم و رفتیم محضر. خیلی ساده و سنتی عقد کردیم. تنها هدیه‌ای هم که برایم آوردند همان انگشتر نامزدی بود. یک سال و نیم عقد بودیم. اسمش برای سپاه درآمد و عضو سپاه شد.

نذر کرده بود اسمش را علی اصغر بگذارد

من باردار نمی‌شدم. مادرم از کربلا برایم یک روسری آورد و گفت مطمئن باش خدا به تو پسر می‌دهد و اسمش را علی اصغر بگذارد. روح الله، قبول نکرد برای درمان اقدامی کنیم و گفت: اگر خدا بخواهد خودش به ما بچه می‌دهد. روز عاشورا نذر کرده بود که اگر خدا پسری به ما بدهد، اسمش را علی اصغر بگذاریم.



همین هم شد.

سال ۱۳۹۱ علی اصغر به دنیا آمد. در روستای قورتان رسم بود که کودکان خردسال در مراسم تعزیه به نیت علی اصغر (ع) لباس سبز می‌پوشیدند. علی اصغر ما هم همان سال لباس سبز پوشید و در تعزیه شد علی اصغر امام حسین (ع).

سه روز بیشتر از تولدش نگذشته بود که زردی گرفت. یادم هست روح الله خیلی نگرانش بود.

سال ۹۵ خدا به ما امیر علی را داد

چهار سال بعد خدا پسر دیگری هم به ما عطا کرد. روح الله به اسم علی خیلی اعتقاد داشت و می‌گفت علی برای خانه برکت می‌آورد. از طرفی علاقه زیادی به فرمانده‌شان، فرمانده هوافضای سپاه، سردار شهید امیرعلی حاجی زاده داشت. به همین دلیل اسم فرزندمان را امیرعلی گذاشت.

مردی که گمنامی را دوست داشت

وقتی آدم چیزی را از دست می‌دهد تازه می‌فهمد چه چیزی را از دست داده است. روح الله همیشه دوست داشت گمنام باشد. کمتر عکسی از او وجود دارد. از خصوصیات خوبش این بود که هیچ‌وقت عصبانی نمی‌شد. همیشه با صبر و آرامش برخورد می‌کرد. شنونده و غمخوار خانواده و مادرم بود. مادرم همیشه می‌گفت آقا روح الله محرم راز است؛ حرفی که به او بزنی، مطمئنی به کسی نمی‌گویی. من اصلاً اهل هدیه گرفتن نبودم. اگر می‌خواست برایم گل بخرد، می‌گفتم گل نگیر، از بین می‌رود. او هم همیشه هدیه کاربردی می‌گرفت. وقتی بچه‌ها آمدند، قرار گذاشتیم فقط برای بچه‌ها هدیه بگیریم.

برای بچه‌ها هم مادر بود و هم پدر

با بچه‌ها رابطه خیلی خوبی داشت. انگار هم مادرشان بود و هم پدرشان. امیرعلی فقط از دست روح الله غذا می‌خورد. روح الله می‌خندید و می‌گفت من مهره مادر دارم. بیشتر اوقات مأموریت بود، اما وقتی به خانه می‌آمد، انگار خانه روح و جان تازه‌ای می‌گرفت.

همیشه در کارها پشتیبانم بود

یکی از کارهایی که باعث شد با وجود سختی‌های مدیریت مدرسه بتوانم در این کار موفق شوم، کمک‌های روح الله بود. تمام پنجشنبه و جمعه‌ها

ناراحت بود و گفت: مریم، امیرعلی (سردار حاجی زاده) را زدند. چند روز بعد، یکشنبه ۲۶ خرداد، برای مأموریت رفت. در جاده ساری بر اثر برخورد ترکش به سرش به کما رفته بود. ۲۸ خرداد بود که من فهمیدم. یکم تیرماه هم روز آسمانی شدنش بود. پیکرش را در گلستان شهدای اصفهان تشییع کردند و برای خاکسپاری به روستا بردند. همانجا به خاک سپرده شد که خودش گفته بود؛ ورودی گلستان شهدا و جلوی پای همه زائرها. روح الله شد هشتمین شهید روستا.

وصیتی که در حرم امام رضا (ع) نوشته شد

روح الله ارادت ویژه‌ای به امام رضا (ع) داشت. هر جا کارش گیر می‌کرد، راه می‌افتاد سمت مشهد. کارش را می‌گفت و برمی‌گشت. آخرین سفرمان اسفند ۱۴۰۳ بود. در حرم امام رضا (ع) از یکی از روحانیون خواست که وصیت‌نامه‌اش را بنویسد. نمی‌دانم به او الهام شده بود که شهید می‌شود یا نه... او همیشه از شهادت می‌گفت. وقتی نان می‌پختیم، روح الله نان‌ها را به تنور می‌زد و همان طور که نان‌ها را به تنور می‌زد، به مادرم می‌گفت: عمه، یک روزی می‌رسد که می‌گویند این گل پرپر از کجا آمده؛ تو بلند بگو از سفر کربلا آمده.

آخرین گفت‌وگو: برگشتی در کار من نیست

روستا بودیم که برای مأموریت فراخوان شد. باید می‌رفت تهران. گفتم پس ما هم می‌رویم اصفهان. گفت همه از اصفهان دارند می‌روند، چرا برمی‌گردی؟ گفتم نه، دلم نمی‌آید تنها بروی؛ بگذار پیش‌ت باشم. گفت: فکر می‌کنی اگر اتفاقی بیفتد، تو می‌توانی جلوی آن را بگیری؟ دلم تا لحظه آخر همراهش بود. آن شب نتوانست برود. صبح رفت سر کار. تماس گرفت و گفت اگر می‌خواهی بروی سر کار، امیرعلی را هم با خودت ببر. یک موقع اصفهان را می‌زنند، توی خانه می‌ترسد. توی جلسه دوباره زنگ زد و گفت: مریم، نمان اصفهان، برگرد روستا. گفتم تو کجا می‌روی؟ گفت: نمی‌دانم، ولی برگشتی در کار من نیست؛ نمی‌توانم برگردم. (روایت که به اینجا می‌رسد، مریم برای لحظاتی متوقف می‌شود؛ سکوتی میان جمله‌هایش می‌نشیند و بعضی که دیگر توان ماندن ندارد، خودش را نشان می‌دهد.)

مردم روح الله را واسطه حاجت‌هایشان می‌کنند

بعد از شهادت روح الله، چند ماهی با بچه‌ها در روستا ماندیم؛ اما با شروع مدرسه بچه‌ها و کار خودم دوباره به اصفهان برگشتیم. همه می‌گویند شما که پارتی دارید، از روح الله بخواهید برایتان دعا کند؛ روح الله پارتی خوبی است. مردم روستا اعتقاد زیادی به شهید دارند و او را واسطه حاجت‌هایشان می‌کنند. اما من هیچ‌وقت دلم نمی‌آید برای خودم چیزی از شهید بخواهم. همیشه از او می‌خواهم برای بچه‌هایمان دعا کند تا موفق باشند.

می‌آمد و کمکم می‌کرد. از تعمیر پریزهای برق گرفته تا پریتر و سیم‌پیچی کولر، همه را خودش انجام می‌داد. کارهایی را هم که هزینه داشت با همکاری همکارانش هماهنگ می‌کرد که برای مدرسه انجام بدهند؛ با کمترین هزینه. در کارهای برقی خیلی تجربه داشت. می‌خندید و می‌گفت: مریم، مدرسه‌ای خراب‌تر از اینجا نمی‌شد بگیری! بعد هم خودش همه کارها را برایم انجام می‌داد.

هدیه‌ای که از شهید گرفته بود

یک هفته‌ای برای خاکسپاری شهدای گمنام رفته بود و شهر به شهر همراه کاروان شهدا بود. وقتی برگشت، با خودش یک پارچه آورده بود. گفت من هدیه‌ام را از شهدا گرفتم؛ وقتی شهید شدم این را روی گفتم بیندازید.

آن زمان این حرف‌هایش را جدی نمی‌گرفتم.

داشتیم انباری خانه را تمیز می‌کردیم. پارچه بین لباس‌های نظامی‌اش بود. آن را از بین لباس‌ها بیرون آورد و گفت این را ببر و بگذار در اتاق بالا. من کلاً فراموش کرده بودم قضیه پارچه را. ۹۰ سال از زمانی که پارچه را آورده بود گذشته بود، اما هنوز همان عطر و بوی روز اول را می‌داد. دو هفته بعد، روح الله شهید شد. صبح با دایمی‌اش تماس گرفتم و گفتم آقا روح الله یک امانتی پیش من دارد. پارچه و تربتی که از کربلا آورده بود، همراه او در قبر قرار گرفت.

یک جای خالی بین شهدا

چند روز قبل از شهادتش به گلستان شهدای روستای قورتان رفتیم؛ روستای ما آن زمان هفت شهید داشت. روح الله خیلی بین قبر شهدا ماند. من جلوتر رفتم و سر قبرهای دیگر فاتحه خواندم. وقتی برگشتم پایین، دیدم هنوز کنار قبر شهدا ایستاده است.

با خنده گفتم: امروز چه خبره؟ بین اینها گیر کردی؟

گفت: مریم، یک جای خالی بین این شهداست؛ این جای خالی هم جای من است. من هم با خنده گفتم: جای تو؟ شهادت لیاقت می‌خواهد. مثل همیشه خندید و هیچ جوابی نداد.

آخرین مأموریت

جمعه که جنگ ۱۲ روزه شروع شد، خیلی



منیره فهامی

تنور آرزوی «بی بی» نان امید می پزد

نانوایی بی بی؛ یک کسب و کار خانوادگی در محله ارغوانیه

هم با پس اندازی که داشتم به او کمک کردم و نانوایی «بی بی» را راه اندازی کردیم.


 آیا کار در نانوایی با شأن اجتماعی شما تضاد نداشت؟ نظر مردم درباره کار شما چه بود؟

شأن اجتماعی به این حرف ها نیست. زمانی که نان دلت را بخوری، هیچ وقت از شأن و شخصیت تو کم نمی شود؛ بلکه بیشتر هم می شود. اگر کار را صادقانه و خالصانه و برای خدا انجام بدهی، شأن تو را بالا می برد. دیدگاه مردم را نمی توان تغییر داد. ابتدا کار برای خود من هم کمی عجیب و نامأنوس بود؛ اما بعد از چندوقت، دیدگاهم تغییر کرد. عده ای از مردم هم موضع گیری داشتند و می گفتند اینجا محیط مناسبی برای دختران نیست؛ به خصوص که ارغوانیه محیطی کارگاهی دارد و بیشتر کارها مردانه است. حالا این افراد مشتریان همیشگی ما شده اند و حتی اگر نان نخواستند، برای احوال پرسوی هم که شده به اینجا می آیند.


 درباره این شغل چه نظری دارید؟

 مادر بزرگم همیشه می گفت برکت نانوایی از هزارویک شغل بیشتر است. من حالا می فهمم که او چه می گوید. من در شرکت های مختلف معماری کار کرده ام؛ اما برکتی که از این کار دریافت می کنم، در هیچ کدام از آن ها تجربه نکرده بودم.


 توصیه تان به جوانانی که به دنبال شروع کسب و کار هستند چیست؟

وقتی کاری را راه انداختی باید به دل سختی ها بزنی. به نظر من اگر کار مال خود آدم باشد، هر چه که باشد، خیلی بهتر از کار برای دیگران است. با ترس هایشان رویه رو شوند و کارشان را شروع کنند. سال اول هر کاری سخت است؛ اما سال دوم آن قدر نور و برکت به زندگی می آید که آن سختی ها را فراموش می کنی و تاریکی ها از یادت می رود. پیشنهاد من به دختران جوان این است که در شرایط فعلی، در کنار شغلی که دوست دارند، یک کسب و کار مستقل هم داشته باشند. من هنوز پروژه های معماری ام را انجام می دهم؛ صبح ها به صورت دورکاری کار می کنم و بعد از ظهرها در نانوایی مشغول هستم. شاید سخت باشد؛ اما این نوع زندگی محکم تر و مطمئن تر است.



هستند که تلفنی سفارش می دهند. از تمام محله های اصفهان مشتری داریم. امید دارم با توکل به خدا، کسب و کارمان بهتر شود. من این شغل را خیلی دوست دارم؛ به ویژه سر و کله زدن با قشر جوان که برای آن ها وقت می گذارم و هم صحبتشان می شوم.


 بین یک زن و یک مرد کارآفرین چه تفاوتی وجود دارد؟

بین خانم و آقا هیچ تفاوتی نیست؛ هر دو یکی هستند. مهم دیدگاه خود آدم است. من به این فکر نمی کنم که دیگران درباره من چه قضاوتی دارند. مهم این است که شما بخواهید. حتی گاهی خانم ها بهتر از آقایان می توانند مدیریت یک مجموعه را انجام دهند. اگر بخواهید و بدانید که چه چیزی از زندگی می خواهید، آن خدایی که بالا سر است، همه چیز را برایتان فراهم می کند. دختر خانم موحدیان، نرگس اسفندیاری که همراه مادرش در نانوایی مشغول درآوردن نان از تنور است، فوق لیسانس معماری است. سال ها در شرکت های مختلف کار کرده؛ اما ترجیح داده به کسب و کار خانوادگی شان پیوند و دلگرمی مادرش باشد.


 شما تحصیلات دانشگاهی دارید؛ چه شد که از دنیای معماری به نانوایی آمدید؟

مادرم پیش تر این کار را انجام می داد. آن زمان من دبیرستانی بودم که ایشان نانوایی داشت و خانم های بی سرپرست را دور هم جمع کرده بود. بعد از تصادف مادرم و تعطیلی کار، ایشان همیشه آرزو داشت دوباره آن را راه بیندازد. من

خوشحالم که در این شرایط سنی توانستم این کار را به راه بیندازم که هم خودم و هم بچه هایم مشغول باشیم.


 شما با سرمایه کمی کارتان شروع کردید؛ این مسیر چطور را طی کردید؟

من حدود ده دوازده سال سرپرست یک فست فودی بودم. دخترم هم حسابدار آنجا بود. وقتی آنجا تعطیل شد، با خودم فکر کردم بهترین کار این است که حرفه ای را که بلدم آغاز کنم. با اینکه فقط ۵۰ میلیون تومان سرمایه داشتم، پول رهن مغازه را دادم و با چک و اعتباری که داشتم، وسایل را خریدم. سختی داشت؛ اما خدا را شکر که توانستم از پس آن بربیایم و حالا به غیر از مغازه، تمام وسایل برای خودم است. امیدوارم با یاری خدا و مشتریانی که برایم بسیار ارزشمند هستند این مغازه را هم بتوانم بخرم.


 سختی های کار نانوایی چیست؟

نانوایی سختی های خاص خودش را دارد. صبح زود بیدار شدن، تهیه آرد، پیدا کردن بهترین گندم و یافتن کشاورز منصف. اگر بخواهی کار عالی ارائه بدهی و مردم از تو راضی باشند، باید بهترین و مرغوب ترین جنس را تهیه کنی. برای من اولویت اول، رضایت مشتریان است؛ نه اینکه فقط بخواهم سود به جیب بزنم. خدا را شکر مشتریان خیلی خوبی هم داریم.


 شرایط کسب و کارتان را در محله ارغوانیه چطور می بینید؟

هنوز آن طور که باید شغل ما در محله ارغوانیه جا نیفتاده است. اکثر مشتری ها از بیرون محله

صحبث از کارآفرینی که به میان می آید، معمولاً ذهنمان به سمت مشاغل خاصی می رود که مردان مدیریت آن ها را بر عهده دارند؛ اما زنان کارآفرینی هستند که نشان داده اند اراده و پشتکار، هیچ محدودیت و جنسیتی نمی شناسد. «نانوایی بی بی» یکی از این کسب و کارهاست که عطر نان تازه اش با بوی امید و مهر در هم پیچیده و تنور رؤیای یک زن را پر حرارت نگه داشته است. این نانوایی در محله ارغوانیه با حضور مشتریانی از سراسر شهر پررونق شده؛ مشتریانی که برای بی بی فقط مشتری نیستند؛ واسطه روزی دهندگی پروردگارند و برکت زندگی اش. زهره موحدیان نانوایی اش را با هزینه ای اندک آغاز کرده و با پشت سر گذاشتن سختی های راه، حالا شاکر همواری مسیری است که خداوند برایش ساخته. این نانوایی یک کسب و کار خانوادگی است که گردانندگان آن بی بی و سه دختر و پسرش هستند. گفت و گوی «هم محله» را با خانم موحدیان بخوانید و از امیدش، امید بگیرید.


 از راه اندازی این نانوایی بگویید.

من از بیست سال پیش در شهرک بهارستان نانوایی داشتم. آن زمان هم سرم فوت کرده بود و خودم سرپرست خانواده بودم. سی سال پیش، پس از گذراندن دوره های مختلف فنی و حرفه ای، موفق شدم مجوز کار بگیرم و من تنها خانمی بودم که می خواستم نانوایی بزنم. پس از افتتاح نانوایی ام، پنج شش نیروی خانم را استخدام کردم که آن ها هم سرپرست خانوار بودند. بعد از مدتی با مشکلاتی مواجه شدم و کار را تعطیل کردم؛ اما دوباره به یاری خدا از دو سال پیش کارم را در محله ارغوانیه شروع کردم.


 چه شد که تصمیم گرفتید دوباره کار را شروع کنید؟

همیشه دوست داشتم کار خودم را داشته باشم. دخترانم تحصیل کرده اند و در رشته های حسابداری و معماری درس خوانده اند. با هم فکری و کمک آن ها دوباره کار را شروع کردم. البته همه کارها از صفر تا صد با خودم است؛ از تهیه گندم گرفته تا آسیابش و پخت نان؛ چون نان ما با آرد کامل پخته می شود. شاطری که صبح ها اینجا کار می کند خانم است. در واقع همه کارکنان خانم هستند؛ چون آن ها به بهداشت اهمیت بیشتری می دهند و کمکی است به زنانی که می خواهند شغلی داشته باشند. خیلی





مریم نقیان

مسجد فقط برای پیرمردها نیست

گفت‌وگو با حجت الاسلام رضائی، روحانی‌ای که نوجوانان محله ارغوانیه را پای کار آورد

نمایش طنز و گفت‌وگوی آزاد داشتیم. استقبال از این برنامه فوق‌العاده بود. حتی خانواده‌هایی که اهل مسجد نبودند هم شرکت کردند. یکی از پدرها گفت: «این اولین بار است پسر من با ذوق و شوق به مسجد می‌آید.»

مهم‌ترین دلیل اثرگذاری کار فرهنگی شما در سطح محله چه بود؟
ارتباط چهره‌به‌چهره و مستمر علت اثرگذاری کار فرهنگی من بود. حضور مستمر در محله، شنیدن حرف مردم و همراه بودن با شادی و غم آن‌ها مواردی هستند که باید به آن توجه کرد تا کاری که می‌کنیم اثرگذار باشد.

چه توصیه‌ای به روحانیون و فعالان فرهنگی جوان دارید؟

از قدم‌های کوچک شروع کنید، نه آرزوهای بزرگ؛ مردمی باشید، نه اداری؛ یاد بگیرید از همه حتی از یک نوجوان ۱۵ ساله خسته نشوید. کار فرهنگی پاداشش دنیایی نیست. شبکه‌سازی کنید؛ چراکه به تنهایی نمی‌شود.

برنامه‌های آینده شما برای محله ارغوانیه چیست؟

راه‌اندازی خانه نوجوان با فضای بازی و مطالعه، برگزاری جشنواره استعدادیابی محله، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه محله برای کمک به نیازمندان و برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی برای جوانان جویای کار

چه پیامی به اهالی محله، به‌ویژه نوجوانان و جوانان دارید؟

به نوجوانان و جوانان می‌گویم که مسجد فقط جای نمازخواندن نیست؛ جای خود شماست. بیایید خودتان مسجد را بسازید. منتظر نیستیم شما به مسجد بیایید؛ ما می‌آییم سراغ شما..

اقدامات شما برای تقویت همدلی و مشارکت اجتماعی در محله ارغوانیه چه بوده است؟

تشکیل گروه‌های همیار محله برای کمک به سالمندان و بیماران، برگزاری جشن‌های محله‌ای در مناسبت‌های مختلف، پویش‌های کمک‌رسانی در بحران‌ها (مثل سیل یا زلزله) و ایجاد کتابخانه محله‌ای با مشارکت اهالی محله.



می‌کنند؛ همچنین شبکه‌سازی با فعالان محله خیلی به برقراری ارتباط صمیمی با آن‌ها کمک کرد.

با چه مشکلاتی مواجه بودید؟
مشکلات کم نبود. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کمبود بودجه برای برگزاری برنامه‌های فرهنگی، بی‌اعتمادی اولیه بعضی خانواده‌ها به مسجد، رقابت با فضای مجازی و بازی‌های کامپیوتری برای جذب کودکان و نوجوانان و کمبود نیروی همکار.

چقدر از مشارکت مردم استفاده کردید؟

بیشترین سرمایه ما خود مردم بودند؛ مثلاً شورای فرهنگی محله را با حضور معتمدان، کسبه و جوانان تشکیل دادیم یا بانک ایده راه انداختیم که هر کس هر پیشنهادی دارد بیان کند.

تعامل شما با خانواده‌ها چگونه است؟

ما جلسات منظم با والدین داریم و سعی می‌کنیم نگرانی‌های آن‌ها را بشنویم. این کار باعث شده والدین به ما اعتماد کنند. اکنون بعضی از مادرها خودشان مسئول برگزاری برنامه‌های فرهنگی مسجد شدند.

نمونه‌ای از یک برنامه موفق را که بازخورد خوبی داشت بیان کنید.

طرح «شب‌های آسمانی» که در ماه رمضان برگزار شد، یکی از برنامه‌های موفق ماست. هر شب بعد از افطار، برنامه‌ای ترکیبی شامل سخنرانی کوتاه، مسابقه،

بوده؟

بیشترین تمرکز من روی نوجوانان و جوانان بوده. البته برنامه‌های ویژه خانواده‌ها و سالمندان هم داریم؛ ولی باور دارم اگر نسل جوان را جذب کنیم، بقیه نسل‌ها خودشان به مسجد مراجعه و در برنامه‌ها شرکت می‌کنند.

چطور نوجوانان و جوانان را جذب مسجد کردید؟

اول از همه قضاوت نکردم. آمدن سراغ گوشی و فضای مجازی را تقبیح نکردم؛ بلکه یاد گرفتم از همان فضا برای ارتباط استفاده کنم. به حرف‌های آن‌ها گوش دادم؛ حتی اگر مخالف عقاید بود. صادق بودم؛ چرا که نسل جدید دروغگو را زود می‌شناسد. برنامه‌های مشارکتی طراحی کردم؛ نه یک‌طرفه. در مرحله بعد برنامه‌های ورزشی مثل مسابقات فوتبال دستی، پینگ‌پنگ و والیبال را برگزار کردیم. حرف‌زدن به زبان خودشان، نه نصیحت خشک و خسته‌کننده را هم در صحبت‌کردن و تعامل با آن‌ها رعایت کردم. یکی دیگر از اقداماتی که باعث شد ارتباط من با نوجوانان و جوانان بهتر شود، سپردن مسئولیت به خود آن‌ها بود؛ مثلاً خود بچه‌ها برنامه‌هایی را که در طول ماه در مسجد دارند برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.

یک روحانی موفق در محله چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

باید مردمی باشد، نه پشت‌میزنشین، گوش‌دادن بلد باشد، نه فقط حرف‌زدن، به‌روز باشد و با زبان نسل جدید آشنا و صبور باشد.

وقتی مردم ببینند روحانی محله در شادی و غمشان کنارشان است، خودشان قدردانی

«آقا، مسجد فقط برای پیرمردهاست»؛ این جمله را چند نوجوان محله ارغوانیه به امام جماعت مسجد النور گفتند؛ جمله‌ای که خیلی‌ها را ناامید می‌کند؛ اما برای حجت‌الاسلام علی‌اکبر رضائی نقطه شروع شد. امروز بعد از سال‌ها فعالیت مستمر، مسجد النور ارغوانیه به پایگاهی اجتماعی تبدیل شده که نوجوانان خودشان برنامه‌هایش را اجرا می‌کنند، مادرها مسئول برگزاری مراسم می‌شوند و کسبه محله در پویش‌های کمک‌رسانی مشارکت می‌کنند. رضائی که به عنوان روحانی برتر شناخته شده، این عنوان را «امانت» می‌داند، نه «مدال». او که امام جماعت مسجد النور است، می‌گوید راز موفقیتش یک جمله است: «با مردم باش، برای مردم باش، مثل مردم باش.»

فعالیت فرهنگی و اجتماعی در محله را بر چه اساسی شروع کردید؟

اوایل که آدم محله، دیدم خیلی از بچه‌ها و نوجوانان با مسجد ارتباطی ندارند. یک روز چند تا از پسرهای نوجوان محله آمدند و گفتند: «آقا، مسجد فقط برای پیرمردهاست؟» این حرف خیلی من را به فکر فروبرد. تصمیم گرفتم از پایگاه تاستانی شروع کنم و کم‌کم برنامه‌ها را گسترش بدم.

مهم‌ترین نیاز فرهنگی محله ارغوانیه چیست؟

به نظر من مهم‌ترین نیاز، فضای امن و جذاب برای نوجوانان و جوانان است. محله ما امکانات تفریحی و فرهنگی چندانی ندارد. بچه‌ها بعد از مدرسه یا سر کار، سرگرمی خاصی ندارند. مسجد می‌تواند این فضا را فراهم کند. همچنین نیاز به نیروی انسانی متخصص در حوزه کودک و نوجوان داریم.

چه برنامه‌های شاخصی اجرا کردید؟

- طرح «مسجد، خانه من»: برنامه‌ای هفتگی برای نوجوانان با ترکیب آموزش، بازی و گفت‌وگو
- اردوهای فرهنگی تفریحی
- کلاس‌های تقویتی و مشاوره تحصیلی
- پویش «همسایه خوب»: کمک به خانواده‌های نیازمند محله به صورت محرمانه

تمرکزتان بیشتر روی چه گروه‌هایی





مریم نقیان

تور فرهنگی در ارغوانیه

روایت تحول فرهنگی در محله‌ای که شب‌ها امن نبود

مختلف در حال رسیدن به اهدافی مهم هستند.

کسب مهارت به‌وسیله بازی

در حوزه نوجوان و جوان، اردوهای تفریحی و زیارتی برگزار شده است؛ همچنین بازی‌های هدفمندی برای این رده سنی طراحی شده که بچه‌ها در چندین جلسه در مسجد در آن شرکت می‌کنند و مهارت‌های مختلفی از جمله نرم‌افزار، مکانیک، تأسیسات و... را آموزش می‌بینند. با این روش نوجوانان و جوانان در کانون تفریح هدفمند داشتند. این برنامه‌ها نه تنها اوقات فراغت نوجوانان را پر می‌کند؛ بلکه آن‌ها را با مهارت‌های کاربردی آشنا می‌سازد که می‌تواند مسیر شغلی آینده‌شان را هموار کند.

چالش‌هایی که مانع فعالیت بهتر شد

باوجود همه موفقیت‌ها، کانون نورالانوار با چالش‌هایی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند. مسئول کانون فرهنگی نورالانوار می‌گوید: «چالشی که با آن مواجه هستیم بودجه است. اگر ردیف بودجه‌هایی را که داشتیم افزایش می‌دادند می‌توانستیم بهتر کار کنیم. از طرفی، برخی از اقشار در محله با ما همکاری خوبی نداشتند؛ اگر آن‌ها با ما ارتباط می‌گرفتند می‌توانستیم فعالیت‌های خود را در حد منطقه و استان هم پیش ببریم.»

تحولی که امنیت آفرید

شاید مهم‌ترین دستاورد کانون نورالانوار، تحولی باشد که در بافت اجتماعی محله ارغوانیه ایجاد کرده است. وزیری‌زاده با اشاره به این تغییر بیان می‌کند: «یک‌زمان در محله ارغوانیه نمی‌شد نصف شب از خانه بیرون رفت؛ چون از لحاظ امنیتی وضعیت مطلوبی نداشت؛ اما اکنون مردم آخر شب‌ها برای پیاده‌روی به بلوار ارغوانیه می‌آیند و ارتباط خوبی با یکدیگر دارند. به نظر من این تحول در محله ارغوانیه یک تحول خوب است؛ چرا که آسیب‌های اجتماعی کاهش پیدا کرده و کانون نیز سهم اندکی در این اتفاق داشته است.»



تا امروز حدود ۴۵ نفر سرگروه در مشاغل مختلف تربیت کردیم. این ۴۵ نفر با یک گروه چند نفری که زیرمجموعه آن هستند مشغول به کار هستند»

وزیری‌زاده با اشاره به اثر زنجیره‌ای این اشتغال‌زایی می‌افزاید: «به‌عنوان مثال در قالی‌بافی یک نفر مشغول شد و حدود پنج نفر به واسطه آن یک نفر مشغول به کار شدند. اگر بخواهیم آمار افرادی که توانستیم آن‌ها را شاغل کنیم بدهیم، می‌توانیم بگوییم که ۴۰۰ نفر را در این چند سال مشغول به کار کردیم.»

این تعداد نفرات همه متعلق به محله ارغوانیه است؛ محله‌ای که کل جمعیت آن حدود هشت‌هزار و ۲۲۷ نفر است.»

از مسجد تا باشگاه سپاهان

او در ادامه به فعالیت‌های ورزشی اشاره می‌کند: «برنامه‌های ورزشی کانون به این صورت است که با حدود شش ورزشگاه سطح منطقه صحبت شده و با مربی‌هایی که مدنظر داشته‌ایم، اعضای فعال کانون فرهنگی نورالانوار با هزینه بسیار محدود در کلاس‌های ورزشی ثبت‌نام می‌شوند. این کلاس‌ها شامل شنا، بدنسازی، والیبال، فوتبال و... است.»

نتیجه این تلاش، پرورش چهار ورزشکار است که اکنون در باشگاه سپاهان پله‌های ترقی را طی می‌کنند. البته باید به این نکته هم اشاره کنم که ورزشکاران رشته‌های

آغاز تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی ما بود. پس از آن تعداد و محتواهای این بسته بهتر و بیشتر شد. اکنون به جایی رسیده‌ایم که نیاز نیست برای بعضی از خانواده‌هایی که نیازمند بودند بسته معیشتی تهیه کنیم؛ چرا که به جای اینکه به آن‌ها ماهی دهیم، ماهیگیری یاد دادیم و فضای دریاچه را هم در اختیار آن‌ها قرار دادیم تا بتوانند فعالیت‌های خود را انجام دهند.»

این رویکرد توانمندسازانه، هسته اصلی فعالیت‌های کانون نورالانوار را تشکیل می‌دهد. در کنار آن، کانون در مراسم‌هایی که در محله برگزار می‌شود، مانند جشن بزرگ غدیر، دهه‌های محرم و... همکاری می‌کند. این مراسم‌ها مورد استقبال خیلی خوبی قرار می‌گیرد. در برخی از برنامه‌های کانون فرهنگی نورالانوار حدود پنج هزار نفر شرکت می‌کنند که نشان از اعتماد و همراهی اهالی دارد.

اشتغال ۴۰۰ نفر در محله‌ای ۸ هزار و ۲۲۷ نفری

آمارها از موفقیت کانون نورالانوار در زمینه اشتغال‌زایی حکایت دارد. مسئول کانون فرهنگی نورالانوار در این باره می‌گوید: «برای بانوان در حوزه قالی‌بافی، فروش محصولات خانگی و... اقدام کردیم. برای آقایان نیز در حوزه پرورش قارچ و... اقدام کردیم. از سال ۱۳۹۹ که فعالیت خود را آغاز کردیم

کانون فرهنگی نورالانوار در محله ارغوانیه اصفهان، باتکیه بر ظرفیت‌های محلی و همت اهالی، مسیری متفاوت را طی کرده است؛ مسیری که از توزیع بسته‌های معیشتی آغاز شد و به توانمندسازی، اشتغال، ورزش و امنیت اجتماعی رسید. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت محمدامین وزیری‌زاده الوانی، مسئول این کانون، از سال‌ها تلاش بی‌وقفه برای تغییر چهره محله است.

مسئول کانون فرهنگی نورالانوار، درباره این کانون می‌گوید: «اصلی‌ترین هدف کانون فرهنگی نورالانوار فرهنگ‌سازی و زیرساخت‌سازی برای فعالیت‌های افراد است. چند سال اخیر در محله ارغوانیه نمی‌توانستیم فعالیت فرهنگی انجام دهیم؛ چرا که شرایط و محیط آن آماده نبود. خدا را شکر با کمک هیئت‌امناي مسجد النور و اهالی محله دست‌به‌دست هم دادیم و محله را از لحاظ فرهنگی به آن چیزی که تمایل داشتیم رساندیم.»

مکان این کانون در مسجد النور است و بخش چشمگیری از برنامه‌ها و کلاس‌هایش داخل خود مسجد برگزار می‌شود. از پارسال نیز به مدت سه سال با مدرسه نواب صفوی که در سطح محله ارغوانیه قرار دارد، توافق شده تا از فضای آنجا برای برگزاری برخی از کلاس‌ها استفاده شود.

از بسته معیشتی تا ماهیگیری

داستان کانون از اوایل کرونا آغاز می‌شود؛ زمانی که وزیری‌زاده و همکارانش تصمیم گرفتند بسته‌های معیشتی را در محله توزیع کنند.

او در این باره بیان می‌کند: «اصلی‌ترین فعالیتی که ما در محله شروع به انجام آن کردیم و به یک طرح استانی و ملی تبدیل شد، بحث توزیع بسته‌های معیشتی بود که به کمک حوزه بسیج آن زمان این بسته‌های معیشتی را توزیع کردیم.»

بسته‌های معیشتی ما اکنون فقط شامل ارزاق نمی‌شود؛ بلکه در این بسته‌ها بحث آموزش‌های اشتغال، تحصیلی و... را به‌صورت رایگان داریم. اوایل کرونا





منیره فهامی

صدای پدر؛ نخستین نغمه قرآن

گفت‌وگو با محمد حسام رشادی، قاری و مدرس قرآن ساکن محله ارغوانیه

گاهی علاقه‌ای که در کودکی در جان آدمی ریشه می‌دواند، سال‌ها بعد به مسیری برای زندگی تبدیل می‌شود؛ درست مثل صدای قرآنی که از کودکی در خانه‌ای شنیده می‌شود و آرام‌آرام دل کودکی را با کلام خدا مأنوس می‌کند. برای محمدحسام رشادی، قاری و مدرس قرآن محله ارغوانیه، قصه انس با قرآن از همین‌جا آغاز شد؛ از خانه و از صدای پدری که خود قاری قرآن بود. او هنوز کودک بود که تلاوت‌های پدر را می‌شنید و به خواندن قرآن علاقه‌مند شد. شنیدن آن صدا برایش تنها یک تلاوت ساده نبود؛ جرقه‌ای بود که بعدها مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. پدر و مادرش نیز در تمام سال‌های این مسیر، مشوق و همراه او بودند؛ از حضور در کلاس‌های قرآن گرفته تا شرکت در مسابقاتی که گاهی خارج از شهر برگزار می‌شد و پدر، همراه همیشگی او بود. با او به گفت‌وگو می‌نشینیم تا از موفقیت‌هایش بیشتر بشنویم.

از دوم ابتدایی فعالیت قرآنی‌ام را شروع کردم

متولد سال ۱۳۸۵ هستم؛ فرزند اول خانواده و دانشجوی رشته حقوق. فعالیت قرآنی‌ام را از کلاس دوم ابتدایی و با حضور در کلاس‌های دارالقرآن کریم آغاز کردم و از همان سال‌های نخست، این مسیر را به صورت مستمر ادامه دادم.

مشوقین اصلی من، پدر و مادرم بودند

من در خانواده‌ای مذهبی و قرآنی رشد کردم. پدرم در گذشته قاری قرآن بود و امروز نیز به مداحی مشغول است. همین فضای قرآنی خانواده باعث شد علاقه‌ام به تلاوت، از سال‌های کودکی شکل بگیرد. مشوق اصلی من در این راه پدر و مادر و خانواده‌ام بودند. آنها همیشه من را در این مسیر پشتیبانی کرده‌اند. برای شرکت در مسابقات خارج از شهر، پدرم همیشه من را همراهی می‌کند و دعای خیر پدر و مادرم همیشه بدرقه راهم بوده است.

افتخار شاگردی در محضر اساتید قرآن

افتخار بهره‌مندی از محضر استادانی همچون تربتیان، بشیری و ربانی را داشته‌ام و از تجربه و راهنمایی آنها در مسیر تلاوت استفاده کرده‌ام. نخستین استادم، استاد تربتیان بود؛ استادی که از همان سال‌های نخست، هر هفته در محفل قرآنی ایشان شرکت می‌کنم و از راهنمایی‌هایشان بهره می‌برم.

سبک قرائت من سبک استاد مصطفی اسماعیل است

استاد ربانی در آموختن سبک مصطفی اسماعیل برایم نقش مهمی داشته است. از سوی دیگر، استاد کرباسی پس از تست صدا، قدرت و جنس صدایم را مناسب برای



تقلید از استاد مصطفی اسماعیل دانست و همین موضوع باعث شد تلاوت سوره‌های بقره و مائده را با سبک این استاد بزرگ آغاز کنم.

شش ماه دوری از تلاوت

در دوران کودکی، علاقه زیادی به فوتبال داشتم و در جریان بازی‌ها زیاد فریاد می‌زدم؛ این موضوع باعث آسیب به حنجره‌ام شد و من را برای مدتی از تلاوت دور کرد. پس از این اتفاق، حدود شش ماه نتوانستم قرآن بخوانم؛ اما این دوری پایان مسیر نبود و بعد از گذشت این مدت دوباره به تلاوت بازگشتم.

از ده سالگی وارد موسسه قرآنی بینه شدم

از حدود ۱۰ سالگی وارد موسسه قرآنی بینه شدم و پس از پشت سر گذاشتن مراحل آموزشی، فعالیت خود را در این مجموعه ادامه دادم. استاد بشیری نیز از جمله استادانی بود که در این مسیر به من کمک کرد و همچنین فرزندشان، علی بشیری، نیز در مسیر قرآنی بسیار همراه و یاری‌رسانم بود.

از مسابقات قرآن تا صدایی که از شبکه اصفهان پخش شد

هر سال در مسابقات سازمان اوقاف شرکت می‌کنم و در سال‌های گذشته توانستم در رشته‌های قرائت و اذان رتبه‌های اول و دوم را به دست آورم. امسال نیز در رشته اذان مسابقات سازمان اوقاف موفق به کسب رتبه چهارم شد. در مسابقات تلویزیونی «اسراء»، شبکه قرآن و معارف سیما نیز شرکت کردم و در مرحله مقدماتی این مسابقات که در شهر قزوین برگزار شد، رتبه چهارم را به دست آوردم.

در مسابقات قرآن و عترت آموزش و پرورش در سطح کشوری نیز موفق به کسب مقام ششم و از مهم‌ترین موفقیت‌هایم کسب رتبه اول مسابقات کشوری اذان در مقطع یازدهم و رتبه سوم مسابقات کشوری قرائت قرآن کریم در مقطع نهم است. یکی

از خاطرات ماندگارم، پخش صدای اذانم از صدا و سیمای مرکز اصفهان و شبکه اصفهان در ماه مبارک رمضان بود؛ اتفاقی که آن را تجربه‌ای ارزشمند و افتخاری بزرگ می‌دانم.

آرزویی برای تلاوت در محضر رهبر انقلاب

با وجود موفقیت‌هایی که در این سال‌ها به دست آوردم، همچنان خودم را در ابتدای مسیر می‌دانم و برای آینده، آرزوهای بزرگی دارم. یکی از مهم‌ترین آرزوهایم این است که روزی بتوانم در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به تلاوت قرآن بپردازم و تلاوتی شایسته ارائه دهم.

آرزوی دیگرم، حضور در حرم مطهر علی‌بن موسی‌الرضا(ع) و قرائت قرآن، مکبری و اذان در آن فضای معنوی است. حضور در برنامه قرآنی «محفل» نیز یکی دیگر از آرزوهایم است. این برنامه توانسته ارتباط خوبی میان قرآن، نسل جوان و خانواده‌ها ایجاد کند. حضور در چنین فضایی فرصتی ارزشمند برای خدمت بیشتر به قرآن است.

خاطره‌ای که هیچگاه فراموش نمی‌شود

یکی از خاطراتی که هنوز برایم رنگ و بوی خاصی دارد، به ۱۳ سالگی‌ام بازمی‌گردد؛ زمانی که در ماه مبارک رمضان همراه خانواده به مشهد رفته بودیم. آن روزها آرزوی بزرگی در دل داشتم؛ اینکه بتوانم در برنامه‌های حرم مطهر امام رضا(ع) شرکت کنم، قرآن بخوانم و روزی خادم حرم شوم. در یکی از برنامه‌هایی که برای نوجوانان برگزار شده بود، فرصت تلاوت پیدا کردم. پس از اجرا، چند جایزه به من هدا شد که یکی از مهم‌ترین آنها مفاتیح حرم علی‌بن موسی‌الرضا(ع) بود. از آن روز به بعد با این مفاتیح انس زیادی پیدا کردم و همیشه از آن استفاده می‌کنم. دیگر جوایز آن برنامه را نیز استفاده نکردم و به عنوان یادگار نگه داشتم‌ام.

قرآن فقط برای کسب مقام نیست

در کنار تلاوت قرآن و اذان، به ورزش فوتبال، شنا و کشتی علاقه‌مند هستم و در این رشته‌های ورزشی فعالیت دارم. همچنین در بخش‌های مختلف فعالیت قرآنی نیز حضور دارم. اکنون به عنوان قاری، مؤذن، استاد و مدرس قرآن و مجری برنامه‌های فرهنگی و قرآنی فعالیت می‌کنم و اجرای برنامه‌های میدادین شهر و تجمعات شبانه مردم را نیز بر عهده دارم. به نظر من قرآن تنها به مسابقه و کسب رتبه محدود نمی‌شود. هدف من این بوده است که قرآن را در زندگی خود جاری کنم و آنچه را از استادان و بزرگان این مسیر آموخته، به نسل جدید، به‌ویژه کودکان و نوجوانان منتقل سازم. دوست دارم تا آخرین قدم در مسیر قرآن ثابت‌قدم بمانم و خادم کوچکی برای کلام الهی باشم.

وقتی قاری، خودش معلم نسل بعد می‌شود

حدود دو سال است که در مؤسسه قرآنی بینه، به آموزش صوت و لحن به کودکان و نوجوانان هفت تا ۱۴ سال می‌پردازم. در کنار آن، در محله ارغوانیه نیز در مسجدالمهدی و مسجدالنور به آموزش تجوید، صوت و لحن به نوجوانان حدود ۱۰ و ۱۱ ساله مشغولم. به لطف خدا ارتباط خوبی با کودکان و نوجوانان برقرار کرده‌ام و استقبال خوبی از کلاس‌ها شده است. علاوه بر کلاس‌های گروهی، برای کودکان کوچک‌تر کلاس‌های خصوصی نیز برگزار می‌کنم. شعار همیشگی در کلاس‌هایم این است که؛ قرآن را یاد بگیر، تمرین کن، تکرار کن؛ موفقیت از تمرین شروع می‌شود.

دغدغه‌ای درباره عدالت در مسابقات قرآنی

گاهی در برخی مسابقات، ناداوری و بی‌عدالتی رخ می‌دهد و بعضی افراد به دلیل ارتباطات یا پشتوانه مؤسسات قرآنی خاص، فرصت بیشتری برای دیده شدن پیدا می‌کنند. برخی گروه‌ها و مؤسسات قرآنی در تهران بیشتر از شاگردان خود حمایت می‌کنند و گاهی ورود افراد مستعد از شهرهای دیگر به این مجموعه‌ها دشوار است. وقتی یک نوجوان با صدای خوب و انگیزه فراوان تلاوت خود را ارسال می‌کند، انتظار دارد مورد توجه قرار بگیرد؛ چراکه بی‌توجهی می‌تواند باعث دلسردی او از ادامه مسیر شود. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم تلاوت تقلیدی برای قاریان جوان، دوره سنی مشخصی دارد و معمولاً تا پیش از ۲۰ سالگی فرصت مناسبی برای این نوع تلاوت وجود دارد و پس از آن باید قاری به سمت تلاوت تطبیقی و مراحل بالاتر حرکت کند. بنابراین، از دست رفتن فرصت دیده‌شدن می‌تواند برای یک نوجوان علاقه‌مند، به معنای از دست دادن بخشی از زمان طلایی آموزش باشد.



مریم نقیان

ارغوانیه؛ چشم به راه فرهنگ سرا

گفت و گو با مهدی قمشه، فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی محله ارغوانیه

دست‌هایی که تنها نمی‌مانند

اما ارغوانیه تنها محله‌ای برای تفریح و فرهنگ نیست؛ محله‌ای است که در آن، دست‌ها به یاری هم دراز می‌شوند. قمشه در این باره می‌گوید: «در حوزه برنامه‌های جهادی حدود ۳۰ خانوار را شناسایی کردیم که در پایگاه پرونده ثبت شده دارند و با کمک خیران در مناسبت‌های مختلف بسته‌های معیشتی در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. به همت خواهران محله نیز یک خیریه به اسم حضرت معصومه (س) تأسیس شده و در حوزه جهیزیه، کمک به بیماران نیازمند محله و توانمندسازی خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست فعالیت می‌کنند.»

او با اشاره به بازارچه‌های مناسبتی می‌افزاید: «در همین راستا در مناسبت‌هایی مانند عید، بازگشایی مدارس و... بازارچه‌های مناسبتی در مساجد محله برگزار می‌شود و خانواده‌های بدسرپرستی که در حوزه تولید توانمند شده‌اند، تولیدات خود را در این بازارچه‌ها در معرض دید مردم قرار می‌دهند و مردم هم به خوبی استقبال می‌کنند. این بازارچه‌ها، نه فقط جایی برای خریدوفروش که صحنه‌ای برای بازیافتن عزت و اعتماد به نفس‌اند.»

فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی به هم‌افزایی فعالان فرهنگی محله هم اشاره می‌کند: «به همت پایگاه شهید ربانی فعالان فرهنگی محله به صورت فصلی دور یکدیگر جمع می‌شوند و کلاس‌ها هم‌افزایی و گفتمانی دارند. در این کلاس‌ها و جلسات خط‌مشی فرهنگی محله مشخص می‌شود. این جلسات، همان جایی است که نقشه راه فرهنگی ارغوانیه ترسیم می‌شود.»

یک آرزو؛ یک مطالبه

قمشه با تقدیر از همکاری شهرداری منطقه ۱۵ بیان می‌کند: «خدا را شکر شهرداری منطقه ۱۵ در برنامه‌های مناسبتی و فرهنگی همکاری خوبی با فعالان فرهنگی و پایگاه‌های بسیج دارد؛ اما جا دارد که این همکاری‌ها افزایش پیدا کند.»

او در ادامه از دو کمبود بزرگ می‌گوید که سال‌هاست اهالی ارغوانیه را رنج می‌دهد: «در محدوده محله ما متأسفانه فرهنگ‌سرا یا یک مکان فرهنگی مستقلی وجود ندارد و مطالبه مردم محله ارغوانیه این است که یک فرهنگ‌سرا در محله ساخته شود. این موضوع را حتی به شهرداری اطلاع دادیم. کمبود فضای ورزشی یکی دیگر از چالش‌های محله است. محله ما یک سالن چندمنظوره نیاز دارد. امیدوارم شهرداری برای احداث فضاهای ورزشی به ما کمک کند.»

این جمله‌ها، فقط خواسته یک فرمانده پایگاه نیست؛ صدای مردمی است که سال‌هاست در مساجد، در موبک‌ها و در کوچه‌ها، فرهنگ را زنده نگه داشته‌اند؛ اما هنوز جایگاهی در شأن خود ندارند. ارغوانیه، محله‌ای است که فرهنگ در آن نفس می‌کشد؛ اما فرهنگ‌سرا ندارد؛ محله‌ای که جوانانش تشنه ورزش‌اند، اما سالن ورزشی ندارد.



برنامه شنا و فوتبال به صورت هفتگی برای نوجوانان و جوانان فعال است. برنامه‌های مناسبتی هم به صورت باشکوه اجرا می‌شود.»

موبک رهروان ولایت؛ خیمه‌ای در دل شب

یکی از درخشان‌ترین بخش‌های فعالیت‌های محله ارغوانیه، موبک رهروان ولایت است؛ خیمه‌ای که هر شب، اقشار مختلف مردم را دور هم جمع می‌کند. فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی با افتخار از آن می‌گوید: «موبک رهروان ولایت جهت تجمعات شبانه مردم تأسیس شد. موبک رهروان ولایت تجمع شبانه اقشار مختلف مردم است. در این موبک اساتید سیاسی، تاریخ اسلام و... را داریم که از آن‌ها برای برنامه‌های بصیرت‌افزایی هر شب بهره می‌بریم. از روحانیان مساجد و ظرفیت اشخاص محله که فعالیت‌های تبیینی انجام دادند نیز استفاده کردیم. چند شب نیز در داخل موبک میز خدمت درمان قرار دادیم.»

گروه سرود بنات‌المهدی (عج) مسجد النور و پایگاه بسیج خواهران حضرت معصومه (س) در موبک و نقاط مختلف شهر برنامه دارند. گروه سرود پسران یاوران مهدی (عج) که در مسجد المهدی (عج) فعالیت می‌کنند نیز در موبک و نقاط دیگر شهر اجرا دارند. موبک از تاریخ چهارم فروردین که تأسیس شد تا کنون برنامه‌های مختلفی دارد و مورد استقبال مردم قرار گرفته است.



او ادامه می‌دهد: «کلاس‌های تفسیر و نهج‌البلاغه در مقطع سنی نوجوانان و جوانان در هر سه مسجد برگزار می‌شود. هم‌زمان برنامه‌های بصیرت‌افزایی نیز در مساجد، موردی و مناسبتی با حضور و مشارکت مردم برگزار می‌شود.»

سفر، ورزش و سینما؛ تفریحی برای همه

فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی در ادامه به اردوهای زیارتی و سیاحتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اردوهای زیارتی و سیاحتی را برای خانواده‌ها در یک سال، سه تا چهار مرتبه برگزار می‌کنیم. اردوهای سیاحتی برای بانوان و آقایان هرساله برگزار می‌شود و متعلق به همه رده‌های سنی است. تماشای فیلم‌های سینمایی در سینما بهمین برای خانواده‌ها یکی دیگر از برنامه‌های فرهنگی ماست. اکران مسجیدی را هم در هر سه مسجد با توجه به مناسبت‌ها داریم.» اما شاید زیباترین تصویری که قمشه ترسیم می‌کند، تصویر شب‌های ارغوانیه است؛ شب‌هایی که پس از نماز، نوجوانان و جوانان به کانون‌های فرهنگی می‌آیند و پشت میز تنیس و فوتبال دستی، خنده و شادی را تمرین می‌کنند: «کانون‌های فرهنگی هر سه مسجد به میز تنیس، فوتبال دستی و... مجهز شده‌اند و هر شب به مدت دو ساعت پس از نماز، نوجوانان و جوانان از آن بهره می‌برند.»

این بسیجی به ورزش‌های گروهی و اردوهای خانوادگی هم اشاره می‌کند: «برای مردم محله پیاده‌روی و کوه‌گشت‌های خانوادگی را به صورت فصلی و موضوعی برگزار می‌کنیم.

در گوشه‌ای از منطقه ۱۵ اصفهان، محله‌ای نفس می‌کشد که نامش با بهار گرّه‌خورده است؛ ارغوانیه. محله‌ای که اگر از دور به آن بنگری، شاید تنها کوچه‌هایی باشد میان ساختمان‌ها و مغازه‌ها؛ اما اگر پا در مساجدش بگذاری و صدای قرآن را از حجره‌های کوچک بشنوی، اگر بوی چای موبک را در شب‌های سرد استنشام کنی و خنده نوجوانان را پشت میز تنیس ببینی، تازه می‌فهمی که اینجا فقط یک محله نیست؛ یک خانه است؛ خانه‌ای که اهالی‌اش سال‌هاست با دست‌خالی، اما بادل پُر، آن را ساخته‌اند. در این خانه، سه مسجد و دو پایگاه بسیج، ستون‌های استوارند و کانون‌های فرهنگی، پتجره‌هایی که رو به نور باز شده‌اند. اما این خانه، یک اتاق کم دارد؛ اتاقی به نام فرهنگ‌سرا و یک حیاط؛ حیاطی به نام سالن ورزشی.

مهدی قمشه، فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی، مردی است که خاک این محله را می‌شناسد. او خودش را فرزند همین کوچه‌ها می‌داند و با لهجه‌ای که بوی اصالت و صمیمیت می‌دهد، از روزهایی می‌گوید که هنوز هم در خاطرش زنده‌اند. او با کلماتی ساده اما پراز معنا، تصویری از ارغوانیه را پیش چشمان ما می‌گشاید؛ تصویری که در آن، فرهنگ از دل مسجد می‌جوشد و تا خانه‌ها می‌رسد.

وقتی مسجد، قلب محله می‌شود

فرمانده پایگاه بسیج شهید حاج احمد ربانی در ابتدای گفت‌وگو، با یادآوری سال‌هایی که در این محله زیسته است، می‌گوید: «حدود سه سال است که در محله ارغوانیه فعالیت می‌کنم و حدود ۲۵ سال است که به دلیل وجود محله پدری‌ام در این محدوده، ساکن همین منطقه‌ام. در محله ارغوانیه دو پایگاه بسیج فعال داریم؛ پایگاه برادران شهید حاج احمد ربانی و پایگاه خواهران حضرت معصومه (س). در این محدوده سه مسجد المهدی (عج)، النور و حضرت علی‌اکبر (ع) فعال است و هر کدام از این سه مسجد سه کانون فرهنگی فعال دارند.» کانون فرهنگی نورالانوار در مسجد نور فعالیت می‌کند، کانون فرهنگی حضرت علی‌اکبر (ع) در مسجد حضرت علی‌اکبر (ع) و کانون فرهنگی شهید مرتضی‌آوینی در مسجد المهدی (عج) در حال فعالیت است.

گویی این سه کانون، سه شاخه از یک درخت‌اند که ریشه‌شان در دل محله فرورفته و سایه‌شان بر سر اهالی گسترده است. قمشه، با حوصله از برنامه‌هایی می‌گوید که هر هفته در این محله جریان دارند؛ برنامه‌هایی که از قرآن آغاز می‌شوند و تا کوه و سینما و موبک ادامه می‌یابند: «فعالیت‌های فرهنگی که انجام می‌شود شامل کلاس‌های قرآن است که حفظ، روان‌خوانی و... در مقطع سنی نونهالان و نوجوانان را به صورت هفتگی برگزار می‌کنند. برنامه‌های تربیتی در چند قالب برنامه‌ریزی شده‌اند. قالب اول حلقه صالحین است که در مقاطع سنی مختلف از نونهالان، نوجوانان و بزرگسالان با موضوع‌های تربیتی، اعتقادی و فقهی در حال برگزاری است.»



سارا حقیقی

شهر چوبی در ارغوانیه

گفت وگو با بشیرعلی حسنی، هنرمند مجسمه ساز ساکن محله

در دنیا «پدر ژیتو»های زیادی هستند که «پینوکیو»هایی را از دل چوب‌ها به وجود آورده‌اند. در ایران خودمان هم پدران هنرمندی هستند که با دیدن چوب، ذوقشان گل می‌کند و دست به اهر می‌شوند و پیکره‌های چوبی می‌سازند که دل علاقه‌مندان را می‌برند. محله ارغوانیه اصفهان محل زندگی یکی از این پدرژیتوهاست؛ بشیرعلی حسنی که تاکنون بیش از ۲۰ هزار مجسمه چوبی ساخته و آثارش تا آن سر دنیا هم رفته‌اند. فکرش را بکنید اگر روزی این مجسمه‌ها جان بگیرند می‌توانند شهروندان یک شهر ۲۰ هزار نفری شوند؛ شهروندانی چوبی با دلی از شیشه! حسنی متولد ۱۳۴۵ است و حدود ۳۵ سال می‌شود که ساکن ارغوانیه است. نمی‌گوید اصالتا اهل کجاست و اعتقاد دارد هنرمند متعلق به جای خاصی نیست.

۱۵ سال پیش، بعد از اینکه حکم بازنشستگی‌اش را از اداره در دریافت می‌کند و بی‌حوصلگی به روزهایش اضافه می‌شود، ساخت یک تخته فوتبال دستی چراغ راهی می‌شود برای حرفه‌ای که سال‌ها ادامه می‌یابد.

چوب‌ها زغال شوند

این هنرمند مجسمه‌ساز از «خلاقیت» می‌گوید که همه چیز حرفه‌اش است؛ خلاقیتی که اگر نبود چوب‌ها به جای مجسمه‌شدن، دود می‌شدند و از بین می‌رفتند؛ کاری که رایج‌تر است و ساختنی که گویا از ذهن تکنولوژی زده ما رخت برپسته! سرشاخه‌های درختان و ضایعات چوب‌ها بازار کارش هستند و او دلیل این موضوع را چنین بیان می‌کند: «اقتصادی بودن و در دسترس بودن این چوب‌ها دلیل استفاده من از آن‌هاست. چوب‌های ضایعات بسیار ارزان هستند و ما یاد گرفتیم که چطور از این ابعاد و شکل‌های مختلف، اثر خلق کنیم.» البته دغدغه محیط‌زیستی و تبدیل محدودیت به فرصت نیز از دیگر دلایلی است که از آن سخن می‌گوید: «در واقع هر دو این موارد را هم در نظر دارم؛ چون این چوب‌ها اگر استفاده نشوند، یا زغال می‌شوند یا کشاورزان آن‌ها را می‌سوزانند. ما با این کار از هدر رفتن آن‌ها جلوگیری می‌کنیم.»

یکی از زیبایی‌های کار این هنرمند ساکن محله ارغوانیه ساخت مجسمه‌هایی با موضوع ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌های ایرانی است؛ ضرب‌المثل‌هایی که به گفته او کم‌کم دارند فراموش می‌شوند. او می‌گوید که با این کار، خودش هم با دنیای شعر و ادبیات بیشتر آشنا



شده و چیزهای زیادی یاد گرفته است: «با ساخت این مجسمه‌ها می‌خواستم مفاهیم ادبی و داستان‌های قدیمی را در قالب پیکره‌های چوبی بیاورم. ضرب‌المثل‌هایی را کار کرده‌ام که برای همه آشنا هستند؛ اما نسل جوان کمتر با آن‌ها درگیر است. این کارها برای مخاطب بسیار جذاب هستند. اینطور می‌خواهم به نوعی برای آموزش دوباره داستان‌ها و ضرب‌المثل‌های ادبیات فارسی فرهنگ‌سازی کنم.»

ساخت هر اثر بسته به نوعش از حدود نیم ساعت تا چهار ساعت زمان می‌برد و این هنرمند با کشف و شهودی که دارد بهترین شمایل را از چوب خام می‌سازد و به آن جان می‌دهد. پای آثار آقای حسنی به جاهای مختلف باز شده؛ از نمایش در فرهنگ‌سراهای مختلف سطح شهر تا نمایشگاه‌های خارج از کشور. حتی عروسک‌هایش در تئاترها نیز نقش آفرینی کرده‌اند. او از خاطره اولین نمایشگاهش چنین یاد می‌کند: «به دلیل حس ششمی که دارم و از الطاف خداوند است، چوب‌ها را که می‌دیدم فکر می‌کردم می‌شود از دل آن‌ها چیزی خلق کرد و با این کار به درآمد هم رسید. به نظر بهترین صنعت آن است که از ضایعات بتوانیم چیز مفیدی بسازیم. برای گسترده‌تر شدن کارم خیلی تلاش کردم. یک روز روی گوشی‌ام پیامکی آمد که نوشته بود نگارخانه فرهنگ سرای کوثر افتتاح شده. چند تا عکس از مجسمه‌ها گرفتم و پیش آقای مکارمی، مدیر فرهنگ‌سرا پردم. ایشان پرسید چند تا از این مجسمه‌ها داری؟ گفتم: حدود صد تا. خیلی سریع گفت: نمایشگاه بعدی را با آثار تو برگزار می‌کنیم.» به او لقب پدرژیتو داده‌اند؛ او نسبت به این لقب حسنی ندارد و می‌گوید: «پدرژیتو یک پینوکیو ساخت؛ ولی من

فرصت‌ها دارد از دست می‌رود؛ جمله‌ای که حسنی درباره محله‌ای می‌گوید که می‌تواند چنین مکانی را برایش فراهم کند: «محله ارغوانیه فرصت‌های زیادی دارد. زمین‌های بلااستفاده زیادی در محله هست که می‌تواند کارگاهی برای این هنر باشد. با اینکه گاهی به من گفته می‌شود بیا و در یکی از این زمین‌ها کار کن؛ اما اگر شروع به کار کنم از من هزینه اجاره و... می‌خواهند که توان پرداختش را ندارم. مردم قدرت خرید کمی دارند و نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت که خرید کنند؛ همین که به دیدن آثارم بیایند و عکسی بگیرند هم خوب است؛ اما برای

این کار هم جایی ندارم.»

پارک الهیه در ارغوانیه و تجمعات شبانه مردم در این محله، مکانی شده برای نمایش مجسمه‌های چوبی او؛ آثارم را برای نمایش به این پارک می‌برم؛ حتی در تجمعات شبانه هم کارهایم را می‌برم. می‌خواهم به عنوان خمس کارم، اهالی محله به دیدن این مجسمه‌ها بیایند و از آن‌ها لذت ببرند.»

حضور در مراکز فرهنگی و محل‌های پررفت و آمد برایش مقدور نیست و اجازه در معرض دید گذاشتن کارهایش را به او نمی‌دهند و همین موضوع حسنی را آزرده خاطر کرده است.

از این هنرمند مجسمه‌ساز ساکن ارغوانیه می‌پرسیم آیا به ساخت نمادی برای محله فکر کرده است؟ پاسخش، ساخت مجسمه‌ای با بیش از سه متر ارتفاع است که مدت‌ها پیش به سفارش شهرداری ساخته؛ ولی دیگر کسی سراغی از آن نگرفته و در کارگاه چشم‌انتظار توجه مانده: «این مجسمه می‌تواند نمادی برای محله باشد. می‌شود وزنه‌ای به دستش داد یا بیلی روی دوشش گذاشت و به عنوان نمادی از این محله از آن استفاده کرد. مجسمه‌های دیگری هم می‌شود ساخت. اگر کارگاهی داشته باشم این مجسمه را جلو در آن می‌گذارم و روی تابلویش می‌نویسم "به کارگاه خلاق ارغوان خوش آمدید." خلاقیت و درک بصری اوبه یاری هم‌محله‌ای‌ها نیز آمده است. حسنی می‌گوید: «وقتی خانه‌ای در حال ساخت باشد، با توجه به درکی که دارم صاحبانشان را راهنمایی می‌کنم که چطور فضای بهتری مثل برای راه‌پله‌ها یا نقاط دیگر در نظر بگیرند و مردم محله هم خدا را شکر از این موضوع راضی بوده‌اند.»

این هنرمند معتقد است اگر جوانان، به‌ویژه اهالی محله ارغوانیه با کارش بیشتر آشنا شوند و بتوانند خودشان هم اثری به جود بیاورند، در آینده شغلی‌شان بسیار مؤثر است و از آن‌ها افرادی خلاق و با فکر می‌سازد. این اتفاق نیازمند توجه متولیان و مسئولانی است که با حمایت از هنرمندان، به پیشرفت جامعه کمک کنند. حسنی از بیان مشکلات ارغوانیه خودداری می‌کند و می‌گوید در حیطه حرفه‌اش نیست که از این مسائل سخن بگوید؛ اما به ترافیک دوشنبه بازار محله که برای مراجعه‌کنندگان دردسرساز شده اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند که ارغوانیه ظرفیت ساخت پارکینگ را دارد؛ ظرفیتی که هنوز فکری برای آن نکرده‌اند و امیدوار است مسئولان به آن توجه کنند.





زهره سادات کاظمی

قول‌های بر زمین مانده ارغوانیه

درد دل‌های ساکنان ارغوانیه درباره مشکلات این محله و قول‌هایی که مسئولان داده‌اند

فرهنگ سرا و مرکز فرهنگی نداریم

نداشتن روکش آسفالت در بسیاری از کوچه‌ها و همسایگی با زمین‌های بایر و بلاتکلیف در اطراف شهرک، یکی دیگر از مشکلاتی است که خانم دیگر به آن اشاره داشت. او ادامه داد: البته ما فاضلاب نداشتیم که در حال حاضر مشغول احداث فاضلاب هستند و قول دادند بعد از عملیات عمرانی، کوچه‌ها را آسفالت کنند. من از سال ۹۵ در این محله ساکن هستم؛ اما از کمبود شدید امکانات خدماتی، آموزشی، فرهنگی و بهداشتی رنج می‌بریم. این شهرک یک درمانگاه و خانه بهداشت ندارد. فشار آب خیلی کم است و مغازه‌های خدماتی مثل نانواپی برای این محله با این جمعیت خیلی محدود است. هیچ ورزشگاه و مکان ورزشی، برای ورزش بچه‌ها نداریم. فقط یک پارک ساختند که آن هم خیلی شلوغ می‌شود.

همسایگی با زمین‌های بایر و کوچه‌های خاکی

موسوی، ساکن قدیمی محله که از اوایل سال ۶۰ ساکن محله و بافت قدیمی است، درخصوص مشکلات محل زندگی‌اش، گفت: اوایل در محله ارغوانیه، ده تا ساختمان بیشتر نبود و هیچ امکاناتی نداشت. الان اوضاع خیلی بهتر شده است. او به خیابان فرهنگ که خیابان مهمی در ارغوانیه است، اشاره کرد و گفت که این خیابان سال‌ها پیش قرار بوده دوبانده و تعریض شود؛ اما هیچ اتفاقی در این سال‌ها نیفتاده است. طرح تعریض این خیابان از ابتدای شکل‌گیری محله مطرح شده و قرار بوده است به‌گرفته زینل متصل شود. یک بلوار کم‌عرض در میان خیابان است که درختان آن رمق زیادی ندارد و البته زباله زیادی پای درخت‌ها جمع شده است. سمت چپ خیابان زمین خاکی است و کارگاه‌ها و باغ‌های نیمه‌جان با دیوارهای کاهگلی مرز میان محل مسکونی محله با بافت قدیمی هستند. خاکی‌بودن کوچه‌ها و راه‌های ارتباطی در انتهای محله‌ها به دلیل همجاری با زمین‌های کشاورزی بایر رها شده، وضعیت نامناسبی برای محله ترسیم کرده است. این زمین‌ها منشأ آلودگی و ریزگردها هستند که بر اثر ورزش در محله



ساختمان‌ها و آپارتمان‌هایی که بسیاری از آن‌ها نوسازی بودند. شهرک الهیه که شهرک بزرگی در ارغوانیه است و ساخت‌وساز زیادی هم دارد، در کنار کمبود زیرساخت‌های لازم و خدمات شهری، در حال توسعه است. انتهای شهرک یک پارک نسبتاً بزرگ ساخته شده و این تنها امکاناتی است که این شهرک دارد. به سراغ تعدادی خانم که کناری روی چمن‌ها نشسته و مشغول تماشای بازی بچه‌ها بودند، رفتیم. وقتی از مشکلات محله پرسیدم، یکی از خانم‌ها خندید و گفت: مشکلات ما زیاد است؛ کدام را بگویم؟! یکی از مهم‌ترین مشکلات ما حمل‌ونقل عمومی است. ما اصلاً داخل شهرک اتوبوس نداریم. مسافت زیادی را باید پیاده برویم تا به ایستگاه اتوبوس برسیم. شهرک وسعت زیادی دارد و برای رسیدن به ایستگاه اتوبوس، باید مسافت طولانی پیاده روی کنیم؛ حتی تا کسی هم در شهرک وجود ندارد. در زمان بازگشایی مدرسه بچه‌ها حتماً باید سرویس داشته باشند؛ درحالی‌که اگر اتوبوس داخل شهرک رفت‌وآمد داشت نیازی به گرفتن سرویس نبود.

خانم دیگری در ادامه اضافه کرد: کمبودهای زیادی در این شهرک داریم. ما هیچ مکان و کانون فرهنگی، مسجد و یا فرهنگ‌سرا نداریم. برای یک کلاس فرهنگی باید مسافت زیادی را تا محله‌های اطراف برویم. من سال‌هاست به فرهنگ‌سرای سلمان، در خیابان جی می‌روم و از کلاس‌های آن‌ها استفاده می‌کنم.

فضای بازی و پارک برای بچه‌ها وجود ندارد

این ساکن محله ارغوانیه یکی دیگر از مشکلات مجموعه را نداشتن فضای بازی و پارک برای بچه‌های مجموعه دانست. او ادامه داد: خانواده‌های زیادی در مجموعه زندگی می‌کنند و بچه‌ها فضای بازی مناسبی ندارند؛ به همین دلیل از فضای حیاط برای بازی استفاده می‌کنند که باعث اعتراض سایر خانواده‌ها می‌شوند و همین مسئله مشکلاتی را در مجموعه ایجاد کرده است. او در ادامه تأکید کرد: از طرف شهرداری قول دادند در کنار مجموعه باغ ارغوان، زمینی برای احداث پارک، فضای بازی و تفریح بچه‌ها ایجاد کنند. باغ ارغوان راه‌اندازی شد؛ اما زمینی که قول داده بودند هنوز بایر است. مجموعه هیچ امکان تفریحی ندارد و فضای سبز مناسب هم در نزدیکی آن نیست. چند صندلی برای نشستن هم در بلوار وجود داشت که سالمندان استفاده می‌کردند که آن هم هنگام ساخت‌وساز باغ ارغوان جمع‌آوری شد. روشن در ادامه افزود: شب‌وقتی زباله‌ها را بیرون می‌گذاریم، در تایم آخر هفته که دو روز زباله بیرون از محوطه می‌ماند، گربه‌ها جمع می‌شوند و کیسه‌ها را باز می‌کنند که باعث آلودگی محیط و جمع‌شدن پشه‌ها می‌شود.

شهرک الهیه و کمبود امکانات زیرساختی

از مجتمع نور به سمت دیگر محله ارغوانیه رفتیم. به سمت شهرکی که پر بود از

مجموعه‌ای با ۴۸۰ خانوار فاقد فاضلاب شهری

صفیه روشن، مدیر یکی از مجتمع‌های مسکونی میلادنور، در گفت‌وگو با «هم‌محله»، نداشتن فاضلاب در مجتمع را یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این مجموعه دانست. او در ادامه گفت: همه ۸ بلوک مجموعه که ۴۸۰ خانوار هستند، با این مشکل درگیرند. مجموعه ما مجهز به سپتینگ است؛ اما آن هم ظرفیتش محدود بود و بالا‌زدگی و پس‌زدگی داشت و مشکلات زیادی برای مجموعه و اهالی ساکن در آن ایجاد کرد.

با احداث باغ ارغوان و بازار گل و گیاه در همسایگی مجموعه میلادنور و احداث یک سپتینگ کمکی و اتصال فاضلاب مجموعه به آن، در حال حاضر مشکل حل شده؛ اما بنا به گفته روشن، ممکن است این اتفاق هم محدود باشد و سپتینگ بازار گل و گیاه هم نتواند تا مدت طولانی خدمات بدهد. این مجموعه نیازمند فاضلاب شهری است و مردم تقاضا دارند تا در خصوص اتصال آن‌ها به شبکه فاضلاب تلاش شود. بیمارستان فارابی فاصله کوتاهی تا مجموعه میلادنور دارد و متصل به سیستم فاضلاب شهری است؛ اما مجموعه محروم است. بنا به گفته روشن، چند باری مدیریت مجموعه و بلوک‌های مسکونی برای استفاده از سیستم فاضلاب شهری به سازمان آبفا مراجعه کرده‌اند؛ اما هزینه زیادی تقاضا کردند که پرداخت این هزینه برای بسیاری از ساکنان مقدور نیست.





زهره سادات کاظمی

خدماتی ندارد. ما یک مرکز خرید مثل بازار کوثر نداریم و برای تهیه مایحتاج باید به اطراف مراجعه کنیم. او در ادامه از کمبود فضای فرهنگی گفت و ادامه داد: ما محله را دوست داریم؛ ولی به خاطر کمبود امکانات زندگی سخت شده است در این محله و شهرک‌های اطراف مرتب در حال ساخت آپارتمان هستند؛ اما امکانات وجود ندارد. تابستان برای ثبت نام بچه‌ها و پرکردن اوقات فراغت آن‌ها سختی زیادی می‌کشیم. یک کلاس تابستانی برای گذراندن اوقات فراغت بچه‌ها پیدا نمی‌شود.

حادثه تلخی رخ بدهد. دسترسی سخت به اتوبوس هم مشکلی دیگری بود که مطرح کرد و ادامه داد: محله ارغوانیه و شهرک‌های اطرافش خیلی وسیع است؛ ولی اتوبوس داخل شهرک نمی‌آید. باید مسافت زیادی تا ایستگاه‌ها برویم. حتی خطوط بی‌آرتی هم مسیرشان تغییر کرده است. قبلاً اتوبوس‌ها از دانشگاه آزاد تا میدان جمهوری می‌رفتند؛ الان تا خوراسگان می‌روند و باید دوباره سوار خط دیگری بشویم. دسترسی به مراکز خرید هم خیلی محدود است. این محله بازار و بازارچه خیلی کم دارد و خیلی امکانات

محله، کمبود امکانات خدماتی و فرونشست از دیگر مشکلاتی است که به آن اشاره شده است.

مزاحمت سگ‌های ولگرد برای خانواده‌ها

از خانمی که توی پیاده‌رو در حال حرکت بود، درخصوص مشکلات محله پرسیدم. او مزاحمت سگ‌های ولگرد را یکی از مشکلات محله عنوان کرد. خودش یک بار مورد حمله سگ‌های ولگرد قرار گرفته است و اگر مردم به‌موقع نمی‌رسیدند، ممکن بود

گسترش پیدا می‌کنند. او ادامه داد: انتهای خیابان فرهنگ مجموعه‌ای از کارگاه‌های مختلف بودند که هنوز هم برخی از آن‌ها فعالیت می‌کنند. بیشتر در حوزه پلاستیک فعالیت دارند که بوی نامطبوع آن‌ها آزاردهنده است. قرار بود این کارگاه‌ها به شهرک صنعتی منتقل شوند؛ اما اتفاقی نیفتاد. برخی از آن‌ها در شهرک صنعتی زمین دریافت کردند؛ اما هنوز منتقل نشده‌اند؛ یعنی کسی پیگیر انتقال این کارگاه‌های مزاحم نشده است. نداشتن درمانگاه و مراکز درمانی برای مردم

ارغوانیه نیازمند توسعه زیرساختی است

هادی زمانی، استاد دانشگاه ونویسنده از اهالی محله ارغوانیه در خصوص مشکلات محله می‌گوید



محله ارغوانیه با اینکه سال‌هاست ساخته شده و در حال توسعه است؛ اما به لحاظ زیرساختی مشکلات متعددی دارد. دکتر هادی زمانی جامعه‌شناس و نویسنده که مدیریت بیمه سلامت استان را در کارنامه دارد و یکی از ساکنان محله است، با تأکید بر این موضوع معتقد است ارغوانیه آینده بسیار روشنی خواهد داشت. او یکی از اساتید شاخص در محله است و حدود ۲۰ سال پیش، ساکن شهرک الهیه از شهرک‌های جدید محله شده است. فضای محله به گفته او با وضعیت امروز تفاوت زیادی داشته است و بافت محله چندان مناسب نبوده و بیشتر ساکنان محله مهاجرنشین بودند. مردم برخی مناطق مانند جی و خوراسگان که نزدیک‌ترین محله‌ها به این منطقه بودند، از سکونت در این محله استقبال نمی‌کردند؛ اما پس از ایجاد شهرک الهیه، به دلیل برخورداری از ساختاری مدرن‌تر، بخش عمده‌ای از مردم فرهنگی و همچنین اقشار بالاتر را جذب کرد و همین موضوع تأثیر عمیقی بر ارغوانیه گذاشت. زمانی بزرگ‌ترین مشکل ارغوانیه را زیرمجموعه بودن آن برای منطقه ۱۵ بیان کرد و گفت: منطقه ۱۵ برای مدت‌ها شهرداری مستقلی داشت و جدا از اصفهان بود و در قالب شهری به نام خوراسگان فعالیت می‌کرد. بیشتر اعضای شورای شهر نیز خوراسگانی بودند و تمایل چندانی به ارغوانیه نداشتند. به همین دلیل، امکانات و توسعه بسیار محدودی در این منطقه وجود داشت. با وجود دانشگاه آزاد، برخی زیرساخت‌های استان اصفهان مانند میدان میوه و تره‌بار و امکانات دیگر در این منطقه وجود داشت، اما واقعاً منطقه فاقد برخی امکانات بود. با ایجاد شهرک الهیه و ساخت چند برج شرایط منطقه کمی بهبود پیدا کرد. بنا به گفته او پس از ادغام خوراسگان با اصفهان و قرار گرفتن این محدوده در منطقه ۱۵، توزیع امکانات عادلانه‌تر شد. دیگر اینجا به عنوان منطقه‌ای جدا یا

آن صحبت می‌کند و او بلافاصله موضوع را پیگیری می‌کند.

کمبود شدید اماکن فرهنگی در محله ارغوانیه

او یکی دیگر از مشکلات ارغوانیه را مسائل فرهنگی و ضعف زیرساخت‌های فرهنگی دانست. زمانی ادامه داد: محله فاقد فرهنگسرا، کتابخانه و کانون فرهنگی است و حتی یک خانه مطالعه در ارغوانیه وجود ندارد. زمانی که خوراسگان شهرداری مستقلی داشت، برای محله‌ها فرهنگسرا ساخته شد. من آن زمان دبیر کمیسیون فرهنگی شورای شهر خوراسگان بودم. در هر محله یک کتابخانه، یک فرهنگسرا و یک قرائت‌خانه ایجاد کردیم. در آن زمان در ارغوانیه هرچه تلاش کردیم زمین پیدا کنیم و برای ایجاد این فضاها اقدام کنیم، موفق نشدیم. زمانی در ادامه با اشاره به اهمیت زیرساخت‌ها در توسعه شهری گفت: در توسعه شهری، زیرساخت‌ها نقش حیاتی دارند. اگر بخواهیم به گذشته و دوره باستان نگاه کنیم، زمانی که می‌خواستند شهری را احداث کنند، ابتدا یک مسجد یا در دوره‌های قدیمی‌تر یک آتشکده به عنوان نماد مذهبی ایجاد می‌کردند و سپس کوچه‌ها را به صورت ستاره‌ای در اطراف آن می‌ساختند. در واقع آن مسجد یا آتشکده به محور توسعه تبدیل می‌شد. زمانی با تأکید بر اینکه این فرهنگ توسعه در جامعه ما وجود دارد، گفت: اگر بخواهید یک منطقه را آباد کنید، باید ابتدا زیرساخت‌هایی در آن ایجاد کنید؛ مثل باغ تندرستی، باغ ارغوان و امکانات دیگر. این زیرساخت‌ها باعث جذابیت منطقه می‌شوند. انتظار این استاد دانشگاه از مجموعه مدیریت شهری این است که نگاه آنها به زیرساخت‌های توسعه شهری در همه مناطق تقویت شود و تلاش کنند محله‌ها را با توجه به افزایش جمعیتی که دارد، رشد بدهند.

۲۰ یا ۱۵ کیلومتری را تحت کنترل داشته باشد و از همه مسائل آن خبر داشته باشد. مشکلات زیرساختی یک محله یا نگاه توسعه‌محور را حتی اگر شهردار شب و روز هم بدود، نمی‌تواند به طور کامل رصد کند. پرداختن به موضوع شوراباری‌ها و مشارکت مردمی که در جامعه‌شناسی نیز بر آن تأکید زیادی می‌شود، بسیار مهم است. شوراباری زمانی که خوراسگان مستقل بود، وجود داشت و بسیار مؤثر بود. بعداً منطقه چهار آن را احیا کرد؛ اما این روند ادامه پیدا نکرد. شوراباری‌ها در واقع چشم و گوش شهرداران و شورای شهر هستند که حذف شده‌اند. زمانی پیشنهاد داد اگر شورای یاری‌ها به صورت انتصابی، نه انتخابی، احیا شود، می‌تواند از ظرفیت نخبگان منطقه، افراد دلسوز، مدیران توانمند و فعالان فرهنگی استفاده کند. این افراد می‌توانند مشکلات مردم را مستقیماً بشنوند یا خودشان موضوع را مستقیم اطلاع دهند تا برطرف شود. احیای شورای یاری‌ها یکی از دغدغه‌های این استاد دانشگاه در محله است. بنا به گفته او در تهران این ساختار بسیار قوی است و اگر شهروندی در محله‌ای مشکلی را ببیند، لازم نیست به شورای شهر مراجعه کنم؛ خانه محله و شورای یاری وجود دارد و با نماینده

بیابانی نگاه نمی‌شد و نگاه‌ها به این سمت رفت که منطقه ۱۵ باید به اندازه دیگر مناطق توسعه پیدا کند و زیرساخت‌های خوبی ایجاد شد.

ارغوانیه یکی از نقاط ثقل اصفهان است

زمانی با اشاره به ظرفیت‌های موجود در ارغوانیه گفت: امروز می‌توانیم بگوییم ارغوانیه یکی از نقاط ثقل اصفهان است؛ به دلیل وجود دانشگاه آزاد، میدان میوه و تره‌بار و عبور رینگ چهارم ترافیکی، باغ تندرستی و و باغ ارغوان که از اقدامات اخیر شهرداری است. اجرای این پروژه‌های بزرگ شهری باعث شده ارغوانیه به تدریج از حالت بسته و محروم خارج شود و به سمت تبدیل شدن به یکی از مناطق توسعه‌یافته و حتی در آینده، منطقه‌ای برخورداری حرکت کند.

شورایاری‌ها چشم شهرداری‌ها بودند

این استاد دانشگاه برای حل شدن مشکل محله‌ها و طی شدن سریع مسیر توسعه در آنها، اجرا شدن طرح شورا یاری در محله‌ها را که شهرداری متولی آن بود ولی ادامه پیدا نکرد، دانست. او تأکید کرد: شما نمی‌توانید از یک شهردار توقع داشته باشید یک شعاع جغرافیایی





زهره قندهاری

احداث پارک تخصصی دوستدار کودک

هوشنگ نظری پور، مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان مهمترین اقدامات عمرانی و خدماتی محله ارغوانیه را تشریح می‌کند

تعریف و اجرا می‌شوند تا اثرگذاری آن‌ها در زندگی روزمره شهروندان به حداکثر برسد. نظری پور ادامه داد: احیا و احداث فضای سبز، اجرای آسفالت معابر، احداث پارک، احداث ورزشگاه و مشارکت با بسیج برای احداث یک ورزشگاه دیگر از جمله پروژه‌های شاخصی است که برای محله ارغوانیه در نظر گرفته شده است. این پروژه‌ها نشان‌دهنده نگاه جامع مدیریت شهری به ابعاد مختلف زندگی شهری است؛ از فضاهای سبز و تفریحی گرفته تا زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی. مشارکت با بسیج برای احداث ورزشگاه نیز بیانگر همکاری نهادهای مختلف برای توسعه امکانات ورزشی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت جوانان و نوجوانان محله است.

بودجه و اعتبارات اختصاص یافته به محله ارغوانیه

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان با بیان اینکه بودجه سال جاری منطقه ۱۵، ۴۶۶ میلیارد تومان بود که ۲۰ میلیارد تومان به محله ارغوانیه اختصاص داشت، تصریح کرد: در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیارد تومان پروژه فعال در این محله در حال اجراست که حدود هشت میلیارد تومان برای زیرسازی و روکش آسفالت و حدود دو میلیارد تومان دیگر برای پیاده‌روسازی هزینه می‌شود. این حجم از سرمایه‌گذاری در یک محله، نشان‌دهنده عزم جدی مدیریت شهری برای توسعه متوازن و رفع نیازهای زیرساختی محلات مختلف است. اختصاص سهم قابل توجهی از بودجه منطقه به این محله، در کنار اجرای هم‌زمان پروژه‌های متعدد، بیانگر اولویت‌دهی به ارغوانیه در برنامه‌های عمرانی و خدماتی منطقه ۱۵ است.

مجموعه اقدامات انجام‌شده و در دست اجرا در محله ارغوانیه، از احداث نخستین بازیکده تخصصی کودک اصفهان گرفته تا آسفالت معابر، توسعه ایستگاه‌های اتوبوس، اجرای طرح‌های محله‌محوری و احداث فضاهای سبز و ورزشی، نشان‌دهنده رویکرد مدیریت منطقه ۱۵ در توسعه متوازن خدمات شهری و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در تمامی محلات است. این پروژه‌ها با مشارکت شهروندان و همکاری نهادهای مختلف در حال اجراست و انتظار می‌رود با تکمیل آن‌ها، شاهد تحولی چشمگیر در سیما و منظر شهری، زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و امکانات تفریحی، فرهنگی و ورزشی این محله باشیم. مدیریت منطقه ۱۵ با تأکید بر تداوم اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی، همواره تلاش می‌کند با اجرای پروژه‌های زیرساختی و بهسازی فضاهای عمومی، زمینه افزایش رضایتمندی شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی در تمامی محلات را فراهم کند.



شهرداری اصفهان ادامه داد: اجرای این پروژه علاوه بر تأمین رفاه شهروندان و تسهیل استفاده از ناوگان حمل‌ونقل عمومی، به ساماندهی فضاهای شهری و ارتقای منظر معابر نیز کمک شایانی کرده است. نظری پور با تأکید بر تداوم اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی در سطح منطقه خاطرنشان کرد: مدیریت منطقه ۱۵ با رویکرد توسعه متوازن خدمات شهری، همواره تلاش می‌کند با اجرای پروژه‌های زیرساختی و بهسازی فضاهای عمومی، زمینه افزایش رضایتمندی شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی در تمامی محلات را فراهم کند.

طرح‌های محله‌محوری؛ اقدام شاخص دوره ششم مدیریت شهری

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان تصریح کرد: با توجه به اجرای طرح‌های محله‌محوری که از اقدامات شاخص در دوره ششم مدیریت شهری است، از سال ۱۴۰۰ تاکنون چهار محله و در سال ۱۴۰۳ سه محله خاتون‌آباد، هیستان و ارغوانیه برای اجرای طرح‌های محله‌محوری انتخاب شده‌اند که حدود ۳۸۰ میلیارد ریال پروژه برای این محله در دستور کار قرار می‌گیرد. این رویکرد نشان‌دهنده توجه ویژه مدیریت شهری به نیازهای محلی و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌هاست. در قالب طرح‌های محله‌محوری، پروژه‌ها بر اساس اولویت‌ها و نیازهای واقعی هر محله

در راستای بهبود سیما و منظر عمومی شهر، همچنین ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است، گفت: بهسازی و مرمت آسفالت معابر فرعی و کوچه‌های سطح شهر در طول سال انجام شده است و اگر معبری نیاز به لکه‌گیری دارد، شهروندان می‌توانند از طریق تماس با سامانه ۱۳۷ درخواست‌های خود را اعلام و ثبت کنند.

توسعه ایستگاه‌های اتوبوس با ۲۰ میلیارد ریال اعتبار

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان از اجرای پروژه محوطه‌سازی و احداث سرپناه ایستگاه‌های اتوبوس در نقاط مختلف این منطقه خبر داد و اظهار کرد: در راستای ارتقای کیفیت خدمات حمل‌ونقل عمومی، افزایش رفاه شهروندان و بهبود سیمای شهری، عملیات محوطه‌سازی و احداث سرپناه ایستگاه‌های اتوبوس در خیابان مقداد دوم محله گیان، محله‌های دهنو و خاتون‌آباد، مسیر رینگ چهارم و سایر معابر سطح منطقه با اعتباری بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال به اجرا درآمد. او افزود: ایجاد و تجهیز ایستگاه‌های اتوبوس به سرپناه‌های استاندارد، نقش مؤثری در افزایش آسایش شهروندان، به‌ویژه در شرایط مختلف آب‌وهوایی، و ارتقای کیفیت خدمات حمل‌ونقل عمومی دارد و از همین رو، این پروژه با رعایت استانداردهای فنی و عمرانی در دستور کار منطقه قرار گرفت. مدیر منطقه ۱۵

محله ارغوانیه این روزها حال‌وهوای تازه‌ای به خود گرفته است؛ از احداث نخستین بازیکده تخصصی کودک اصفهان با استانداردهای روز جهان تا آسفالت معابر، توسعه ایستگاه‌های اتوبوس و اجرای طرح‌های محله‌محوری. این محله به یکی از کانون‌های اصلی پروژه‌های عمرانی و خدماتی منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان تبدیل شده و مدیر منطقه ۱۵ با تشریح این اقدامات، از عزم جدی مدیریت شهری برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در این محله خبر داده است.

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان با اشاره به احداث پارک تخصصی دوستدار کودک در شهرک مخابرات محله ارغوانیه گفت: زمین این پروژه در تملک شهرداری است و مساحتی حدود ۹۰۰ مترمربع دارد و این اولین بازیکده کودک (مقیاس مینیمالیست) در اصفهان با استانداردهای روز جهان خواهد بود.

او در ادامه اظهار کرد: این پروژه به عنوان نخستین بازیکده کودک در اصفهان، با رویکردی نوین و با رعایت استانداردهای روز جهان طراحی شده است. مقیاس مینیمالیست در طراحی این فضا، به معنای بهره‌گیری از سادگی و کارایی در عین حفظ جذابیت برای کودکان است تا محیطی امن، خلاقانه و استاندارد برای بازی و رشد کودکان فراهم شود. با توجه به اینکه زمین این پروژه در تملک شهرداری قرار دارد، روند اجرای آن با سرعت و بدون دغدغه تأمین زمین پیش خواهد رفت و انتظار می‌رود این فضا به یکی از جاذبه‌های مهم تفریحی و فرهنگی محله و حتی منطقه تبدیل شود.

آسفالت و زیرسازی معابر خیابان ارغوانیه

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان گفت: عملیات زیرسازی و آسفالت در معابر خیابان ارغوانیه با ۱۴۰۰ تن آسفالت در مساحتی به متراژ ۹ هزار مترمربع و با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد ریال طی مدت پنج ماه اجرا شده است. هوشنگ نظری پور اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که یک شهر را از سایر شهرها متمایز می‌کند و تأثیر زیادی بر منظر شهری دارد، آسفالت یک‌دست و مناسب معابر بوده و از مهم‌ترین اقدامات و وعده‌های شهرداری، موضوع کیفیت آسفالت معابر شهری است. او با اشاره به پروژه ساماندهی معابر خیابان ارغوانیه در منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان افزود: عملیات زیرسازی و آسفالت در معابر این خیابان با ۱۴۰۰ تن آسفالت در مساحتی به متراژ ۹ هزار مترمربع و با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد ریال طی مدت پنج ماه اجرا شده است. مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان با اشاره به اجرای روکش آسفالت در سطح محله‌های دیگر این منطقه تصریح کرد: حدود ۱۰ هزار مترمربع در این منطقه لکه‌گیری و نقاطی که با عقب‌نشینی نیاز به ترمیم داشته، آسفالت شده است. نظری پور با بیان اینکه خدمات‌رسانی بهینه و کسب رضایتمندی شهروندان از اولویت‌های اجرای پروژه‌ها و





زهره قندهاری

ارغوانیه در مسیر یک تحول محله‌ای

پاسخ هوشنگ نظری پور، مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان به معضلات ساکنان

محله ارغوانیه خوراسگان این روزها نفس تازه‌ای می‌کشد؛ جایی که صدای بازی کودکان به زودی در نخستین بازیکنده تخصصی اصفهان طنین‌انداز می‌شود، آسفالت تازه معابر چهره کوچه‌ها را دگرگون کرده و ایستگاه‌های اتوبوس با سرپناه‌های استاندارد، آرامش را به مسافران هدیه می‌دهند. این محله که در سال ۱۴۰۳ به جمع محلات منتخب طرح‌های محله محوری پیوسته، این روزها به یکی از پرچم‌باز و جوش‌ترین کانون‌های پروژه‌های عمرانی و خدماتی منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان تبدیل شده است؛ محله‌ای که سال‌ها با معضلاتی همچون آسفالت فرسوده، کمبود فضاهای تفریحی و امکانات ناقص حمل‌ونقل عمومی دست‌وپنجه نرم می‌کرد و حالا هوشنگ نظری پور، مدیر منطقه، با اجرای این مجموعه اقدامات، پاسخی روشن و عملی به این دغدغه‌ها داده و از عزم جدی مدیریت شهری برای رقم‌زدن فصلی تازه در زندگی شهروندان این محله خبر می‌دهد.

با توجه به خاکی بودن کوچه‌های شهرک الهیه و فقدان آسفالت در بخش قابل‌توجهی از معابر، چه برنامه‌ای برای آسفالت‌ریزی و ساماندهی زیرساخت‌های عبوری این محدوده وجود دارد؟

با توجه به اجرای عملیات حفاری فاضلاب در صورت پایان یافتن آن و همچنین برگزاری مناقصه اجرای عملیات روکش آسفالت، این موضوع در دستور کار منطقه قرار دارد و تلاش می‌کنیم با هماهنگی دستگاه‌های مرتبط، اقدامات لازم در این زمینه با سرعت بیشتری انجام شود تا ان‌شاءالله تا ایام پایانی سال، بخش قابل توجهی از این فرآیند به نتیجه برسد و زمینه برای بهبود وضعیت معابر و ارتقای کیفیت تردد شهروندان فراهم شود.

با وجود حضور جمعیت ساکن زیاد در این شهرک، چرا هیچ فرهنگ‌سرا یا مرکز فرهنگی برای برگزاری کلاس‌های تابستانه و فعالیت‌های کودکان و بانوان احداث نشده است؟

در شهرک الهیه، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود و همچنین ایجاد زیرساخت‌های جدید در دستور کار قرار دارد. در همین راستا، قرارداد با یک مجموعه فرهنگی برای احداث مسجد و مجموعه فرهنگی در این شهرک منعقد شده است. همچنین زمین مورد نیاز برای احداث «بازیکنده کودک» در محدوده شهرک الهیه تملک شده و این پروژه نیز در مسیر اجرا قرار دارد.

در کنار این اقدامات، ظرفیت کانون‌های فرهنگی مساجد، مدارس و مجموعه‌های فرهنگی موجود نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین حوزه دوازده بسیج



حضرت بقیةالله (عج) برادران در ارغوانیه با برگزاری برنامه‌ها و کلاس‌های متنوع، یکی دیگر از ظرفیت‌های فعال فرهنگی و اجتماعی این محدوده است. تلاش مدیریت منطقه بر این است که با استفاده از ظرفیت‌های موجود و تکمیل زیرساخت‌های جدید، دسترسی شهروندان به فضاهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در این محدوده بیش از پیش تقویت شود.

سرانه فضای سبز و تعداد پارک‌های موجود در این محله با توجه به تراکم جمعیت بسیار ناکافی است. پارک ارغوانیه نیز فاقد آب‌خوری و وسایل بازی کودکان می‌باشد. آیا طرحی برای توسعه فضای سبز و تجهیز پارک‌های موجود در دست اقدام است؟

با توجه به اینکه طراحی دو پارک در این محله در حال انجام است و زمین‌های مورد نیاز این پروژه‌ها نیز تملک شده، برنامه‌ریزی لازم برای ورود به مرحله اجرا صورت گرفته است. ان‌شاءالله با تکمیل فرآیندهای طراحی و اجرایی، احداث این دو پارک در سال آینده آغاز خواهد شد و با بهره‌برداری از آن‌ها، بخشی از کمبود سرانه فضای سبز این محله جبران و زمینه برای ارتقای کیفیت محیطی و افزایش دسترسی شهروندان به فضاهای سبز فراهم می‌شود.

دسترسی ساکنان به خطوط BRT و اتوبوس‌های درون‌شهری در محدوده ارغوانیه و به‌ویژه الهیه بسیار دشوار است. اتوبوس‌ها حتی در صورت تردد تا پینار، وارد محدوده ارغوانیه نمی‌شوند. چه تدبیری برای بهبود حمل‌ونقل عمومی در این منطقه اندیشیده شده است؟

این موضوع در حال حاضر با جدیت از سوی اعضای محترم شورای اسلامی شهر اصفهان و همچنین سازمان اتوبوسرانی در حال پیگیری است. در صورت تصویب و نهایی شدن طرح احداث خط تندرو، شهرداری منطقه ۱۵ آمادگی دارد در چارچوب برنامه مصوب، اقدامات اجرایی لازم را در منطقه دنبال و عملیاتی کند.

کارگاه‌های تولید پلاستیک در محدوده مسکونی شهرک فعال هستند و بوی نامطبوع آن‌ها موجب آزار ساکنان شده است. با وجود اینکه این کارگاه‌ها در شهرک زمین دارند، چرا به خارج از محدوده مسکونی منتقل نشده‌اند؟

در صورت وجود چنین کارگاه‌هایی در محله، لازم است موضوع از سوی اهالی به شهرداری اعلام و برای آن استشهادهای محلی تهیه و ارائه شود. پس از دریافت مستندات و بررسی موضوع، شهرداری می‌تواند در چارچوب ضوابط و ظرفیت‌های قانونی، فرآیند لازم برای ساماندهی و در صورت امکان، انتقال این کارگاه‌ها به محل مناسب را پیگیری و اجرا کند.

سال‌هاست که به اهالی محله وعده دوبانده شدن خیابان فرهنگ داده شده اما این پروژه هنوز عملیاتی نشده است. ضمناً سمت چپ این خیابان و محدوده مجاور دانشگاه خاکی و بلاتکلیف باقی مانده است. تکلیف این پروژه چه زمانی مشخص می‌شود؟

با توجه به اینکه این محدوده در حریم شهر قرار دارد، پیگیری‌های لازم برای تعیین تکلیف آن انجام شده و این موضوع از در دستور کار قرار دارد.

با این حال، تا زمان تعیین تکلیف کاربری و تصویب طرح مربوطه، امکان اجرای اقدامات عمرانی و تغییرات اساسی در این محدوده وجود ندارد. پس از طی فرآیندهای قانونی و تصویب طرح، شهرداری می‌تواند اقدامات لازم برای ساماندهی و تعیین تکلیف این بخش را دنبال کند.

با وجود ساخت‌وسازهای گسترده آپارتمانی در این شهرک، امکانات شهری نظیر فروشگاه بزرگ، فضای ورزشی سرپوشیده و مراکز خدماتی متناسب با افزایش جمعیت توسعه نیافته است. دلیل این ناهماهنگی چیست؟

در حال حاضر ورزشگاه آزادی همچنین سال ورزشی بسیج و فضای ورزشی مدرسه

حضرت ولی عصر (عج)، ظرفیت‌هایی هستند که در اختیار شهروندان قرار دارند و امکان استفاده از آن‌ها فراهم است. با این حال، توسعه سرانه و افزایش دسترسی شهروندان به فضاهای ورزشی همچنان مورد توجه مدیریت شهری است و موضوع احداث زمین‌های ورزشی چندمنظوره در شهرک الهیه نیز در حال پیگیری است تا در صورت فراهم شدن شرایط و طی مراحل قانونی، این مطالبه نیز به مرحله اجرا برسد.

شهرک میلاد نیز فاقد پارک و فضای بازی مناسب برای کودکان است. قرار بود در کنار باغ ارغوان فضای سبزی احداث شود، اما تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. علت تأخیر در این طرح چیست؟

با توجه به قرارگیری مجموعه باغ ارغوان در محدوده منطقه ۴ و همجواری آن با شهرک میلاد نور، تمهیدات و هماهنگی‌های لازم برای بازگشایی ورودی از سمت شمال باغ ارغوان، با هدف تسهیل دسترسی شهروندان، توسط شهرداری منطقه در حال پیگیری است. همچنین باغ تندرستی نیز در این محدوده قرار دارد و به‌عنوان یکی دیگر از ظرفیت‌های فضای سبز و تفریحی، در دسترس شهروندان قرار دارد.

فقدان تاکسی و اتوبوس در داخل شهرک موجب شده ساکنان مسافت زیادی را برای دسترسی به حمل‌ونقل عمومی طی کنند. چه برنامه‌ای برای رفع این مشکل وجود دارد؟

با توجه به جمعیت شهرک و ویژگی‌های بافت شهری و شهرسازی آن، در صورت ارائه درخواست کتبی از سوی اهالی، موضوع از طریق سازمان‌های اتوبوسرانی و تاکسی‌رانی اصفهان، پیگیری خواهد شد.

شهرداری منطقه نیز پیگیری‌های لازم را تا حصول نتیجه و تعیین تکلیف موضوع در چارچوب ضوابط و ظرفیت‌های موجود دنبال خواهد کرد.

جمعیت سگ‌های ولگرد در این محله افزایش یافته و موجب آزار شهروندان شده است. شهرداری چه اقداماتی برای ساماندهی این وضعیت در نظر گرفته است؟

زنده‌گیری سگ‌های بلاصاحب و انتقال آن‌ها به کمپ مربوطه، به‌صورت مستمر و روزانه در سطح منطقه در حال انجام است و این موضوع به‌طور جدی در دستور کار واحد مربوطه قرار دارد. شهروندان نیز می‌توانند در صورت مشاهده سگ‌های بلاصاحب، موضوع را از طریق سامانه ۱۳۷ گزارش کنند تا نیروهای مربوطه در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به بررسی موضوع، زنده‌گیری و انتقال آن‌ها اقدام کنند.



زهره قندهاری

ارغوانیه؛ محله‌ای در حاشیه توسعه

محله ارغوانیه با مساحتی حدود ۲۷۵ هکتار ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد

محله ارغوانیه در استان اصفهان و در محدوده شرقی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با بزرگراه شهید مهدی ربانی (اصفهان - نائین)، از جنوب با بلوار رضوان و خیابان و از غرب با بلوار آب محدود شده است و با محله‌های سفلی و سمسور در منطقه ۱۵ و شهرک نیک اندیش در منطقه ۴ مجاورت دارد. ارغوانیه به عنوان یکی از محله‌های نوساز اصفهان، دارای پنج شهرک مسکونی و فضای سبز مناسبی است. پارک بزرگ الهیه با وسعت ۱۵ هزار مترمربع در شهرک الهیه احداث شده که شامل محوطه بازی کودکان، مسیر دوچرخه و آلاچیق است. براساس اطلاعات درگاه شهرداری اصفهان، محله ارغوانیه مساحتی حدود ۲۷۵ هکتار دارد و جمعیت آن حدود ۱۰ هزار نفر است. ارغوانیه جزو محله‌های نوساز اصفهان به حساب می‌آید و بافت فرسوده قابل توجهی ندارد. در این محله معضلاتی وجود دارد و اقداماتی انجام شده که در قالب اینفوگرافی روایت شده است.

معضلات محله

افزایش جمعیت
سگ‌های ولگرد
و آزار شهروندان

فقدان آب‌خوری
و وسایل بازی
کودکان در
پارک ارغوانیه

ناکافی
بودن سرانه
فضای سبز

نبود
فرهنگ‌سرا یا
مرکز فرهنگی

بالاتر
ماندن پروژه
دوبانده‌سازی
خیابان فرهنگ

خاکی بودن
برخی کوچه‌های
شهرک الهیه و
فقدان آسفالت

تأخیر در احداث
فضای سبز
کنار باغ ارغوان

عدم
توسعه امکانات
شهری

فقدان تاکسی
و اتوبوس در
داخل شهرک

دشواری
دسترسی به
خطوط BRT
و اتوبوس‌های
درون‌شهری

فعالیت
کارگاه‌های
تولید پلاستیک
در محدوده
مسکونی و بوی
نامطبوع آن‌ها

نبود پارک و
فضای بازی
مناسب برای
کودکان در
شهرک میلادنور

اقدامات محله ارغوانیه

- پیگیری برای مشارکت احداث زمین ورزشی شهرک الهیه
- پیگیری مشارکت زمین چمن مصنوعی بسیج
- ساماندهی پایانه اتوبوسرانی دانشگاه آزاد اسلامی
- ساماندهی ورودی و خروجی دانشگاه آزاد
- ایمن سازی و آرام سازی خیابان ارغوانیه
- اجرای ۸ گذرگاه استاندارد عابر پیاده و ایمن سازی آن‌ها
- نصب ۲۰ سرپناه ایستگاه اتوبوس
- ایمن سازی معابر فرعی منتهی به خیابان ارغوانیه
- نصب تابلوهای راهنمای مسیر

- زیرسازی و روکش آسفالت معابر اصلی و فرعی ارغوانیه
- هدایت و دفع آب‌های سطحی
- پیاده‌روسازی ضلع جنوبی و رفیوژ میانی بلوار سروستان
- زیرسازی برخی از معابر شهرک الهیه
- تملک زمین بازیکنده کودک به مساحت ۱۶۰۰ مترمربع
- تملک چهار هزار متر مربع زمین برای احداث پارک فرهنگ ارغوانیه
- انعقاد تفاهم‌نامه برای احداث مسجد و مجموعه فرهنگی شهرک الهیه
- فراهم کردن مقدمات احداث پارک الهیه ۲
- هدایت و انتقال آب‌های سطحی بلوار رضوان و میدان جنوبی ارغوانیه

مدیر فنی و گرافیک: علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا: علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه: ویژه‌نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مریم نقیان، سارا حفیظی
ویراستار: سارا حفیظی

صاحب امتیاز: شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیر مسئول: دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل: سید علیرضا حسینی
سر دبیر: محمد حسین اعترزبان
دبیر ویژه‌نامه و رسانه‌های هم‌محله: احمد مهره‌کش
عکس: کوثر رحیمی

اصفهان زیبا

هم‌محله



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید